



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

کلام و
عقاید

آية الله العظمى
مقامه عليا كان

الله

ع

ع

صبح صادق

آية الله العظمى صافي گلپایگانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صبح صادق: درس هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه السلام و اهداف رسالت اسلام

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	صبح صادق: درس هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه السلام و اهداف رسالت اسلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	سخن ناشر
۱۳	مقدمه
۱۷	هدیه اول: درس هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله
۱۷	اشاره
۱۹	۱. عظمت در رسالت و دعوت
۲۹	۲. عظمت در اراده و تصمیم
۳۳	۳. عظمت در زهد و بی اعتنایی به دنیا
۳۴	۴. عظمت و رعایت مساوات و برابری انسانی با مردم
۳۶	۵. عظمت در اصلاحات بنیادی اجتماعی
۳۸	۶. عظمت در تشریح قوانین و احکام و شرایع
۴۰	۷. عظمت در علوم و معارف
۴۳	هدیه دوم: سیری در زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مواقف امام صادق علیه السلام
۴۳	اشاره
۴۵	فصل اول: دوران رضاع، و صباوت و کودکی
۴۶	فصل دوم: دوران بعد از کودکی تا بعثت
۴۸	فصل سوم: از بعثت تا هجرت به مدینه
۵۲	فصل چهارم: از هجرت تا وفات
۵۸	موقف حساس و بلند علمی حضرت صادق علیه السلام
۶۱	فایده ی بزرگداشت روزهای تاریخی اسلام
۶۲	توصیه هایی به مسلمانان خارج از کشور

۶۵	هدیه سوم: هدف های رسالت اسلام
۶۵	اشاره
۶۷	۱. ایمان به خدای یگانه
۶۹	۲. ایمان به پیغمبران خدا و نبوت
۷۰	۳. ابلاغ و اجرای حقوق انسان
۷۲	۴. برقراری نظام اقتصادی سالم
۷۴	۵. همگانی کردن حق علم آموزی
۷۵	۶. تهذیب عقل از خرافات
۷۶	۷. ایجاد جامعه ی جهانی
۷۷	۸. اقامه ی قسط و عدل
۷۷	۹. تأمین سعادت دنیا و آخرت
۷۸	۱۰. تأسیس مدینه ی فاضله ی انسانی
۸۱	درباره مرکز

صبح صادق: درس هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه السلام و اهداف رسالت اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدیدآور: صبح صادق: درس هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه السلام و اهداف رسالت اسلام/ صافی گلپایگانی؛ به کوشش مهدی کریمیان، احمد کریمی.

مشخصات نشر: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳ ق. = ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۷۴ ص.

فروست: کلام و عقاید.

شابک: ۱۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۰۵-۶

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق.

موضوع: جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۸۳ - ۱۴۸ ق.

موضوع: اسلام -- مقاله ها و خطابه ها

رده بندی کنگره: BP۲۲/۹/ص۲۲/ص۲ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۲۴۷۴۸

ص: ۱

اشاره

صبح صادق

درس هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه السلام و اهداف رسالت اسلام

صافی گلپایگانی

به کوشش مهدی کریمیان، احمد کریمی.

ص: ۲

"صبح صادق" مجموعه ای ارزشمند از سه مقاله ی پربار و خواندنی است که به شکلی اجمالی و جذاب به بازخوانی و مرور درس هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و نیز حضرت امام صادق علیه السلام می پردازد. کتاب در پایان، با بیان اهداف والای رسالت اسلام، دعوت آن حضرت را فراخوانی جاوید و همگانی برای تمامی اعصار می داند و عمل به دستورات اسلام و قرآن را ضامن سعادت واقعی می داند.

از آنجا که مولف محترم، در زمان نگارش اثر در لندن به سر می برده اند هر سه فصل کتاب را به برادران و خواهران مسلمان مقیم انگلیس هدیه نموده اند. با توجه به اینکه مخاطب اصلی «صبح صادق»، قشرهای جوان و دانشجویان عزیز می باشند و از سویی کتاب با تاکید فراوان بر حفظ و بهینه سازی هویت دینی و بازگشت به سنت های انسان ساز اسلام عزیز و بر اساس روش زندگی عالی ترین الگوهای انسان، نگاشته شده است دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی اقدام به بازنشر آن نمود.

این کتاب برای اولین بار در ۱۳۵۵ هجری شمسی از سوی مجمع جهانی اسلامی لندن و تحت عنوان «ندای اسلام از اروپا» انتشار یافت.

اکنون ویرایش جدید این اثر ارزشمند، تقدیم علاقه مندان می نماید.

برادران و خواهران مسلمان مقیم انگلستان

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته

خداوند متعال به همه ی شما تندرستی و خیر و سعادت و رستگاری عطا فرماید و به تبلیغ رسالت اسلام که بهترین خدمت به بشریت است و عمل به تعالیم عالیه آن موفق سازد. حقیر از اینکه موفق به زیارت مسلمانانی متعهد و ملتزم و کوشا و متحرک و علاقه مند به تعظیم شعائر و حفظ سنن اسلامی شده و خدمات شما را به اسلام می بینم افتخار دارم.

شرکت در مجمع جهانی اسلامی و نماز جماعت و اجتماع پرشور و پر معنای شما مردم مسلمان مخصوصاً جوانان و دانشجویان عزیز و دیدن نتایج ارزنده ی تلاش ها و کوشش هایی که برای تأسیس مجمع جهانی اسلامی شده است واقعاً لذت بخش بود.

چنانچه خلوص نیت شرکت کنندگان در جلسات مجمع جهانی اسلامی و عشق و علاقه ی زن و مرد مسلمان و خدماتی که همگی به رهبری حجت الاسلام و المسلمین آقای مصباح زاده دامت برکاته به اسلام و مسلمین و معرفی تشیع - که اسلام پاک و خالص است - می نمایند سزاوار تحسین و تقدیر است و این مجمع اسلامی و این

اجتماعات و این همکاری ها و تبلیغات در قلب اروپا موجب سرافرازی و مباحثات است و تأسیس آن اقدام خداپسندانه ای است که در جهت تاسی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهتمام آن حضرت به هدایت بشر قرار دارد و سبب رضای خداوند متعال و مسرت خاطر انور حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفدا است و حقاً جهانی بودن رسالت اسلام اقتضا دارد که این گونه مجامع گسترده تر و هر چه کامل تر در تمام شهرهای بزرگ اروپا و امریکا و خاور دور و غیره تشکیل شود تا ندای جان بخش توحیدی اسلام به گوش جهانیان برسد.

بدیهی است تقدیر از این مجمع و از خدمات برادران و خواهران مسلمان مفهومش این نیست که آنچه لازم است انجام شده و دیگر وظیفه ای باقی نیست، زیرا باید مراکز تبلیغی دیگران و هزارها کلیسایی که مجهز به تمام وسایل مادی هستند و جدیت و قدرت و امکانات آنها را در نظر گرفت و نیز اینکه این مجمع در چنین محیطی عهده دار تبلیغات و ادای رسالت اسلام شده است. پس این قدم هر چند بسیار مهم و وسیع باشد قدم اول بوده و هنوز در ابتدای راه، گام بر می داریم.

باید با کوشش و مساعی، عموم مسلمانان، اهل هر کشور و ملت که باشند، متحد و یک صدا و هماهنگ کار کنند و برای توسعه ی این مجمع از هر جهت، مادی و معنوی در خارج و داخل هر کس به سهم خود از کمک و یاری مضایقه نمایید، تا این مؤسسه در خور شأن و مقام خود به فعالیت های اسلامی ادامه داده، تشکیلات خود را در رشته های مختلف ارشاد و تبلیغ و پرورش افکار توسعه دهد و بر آبرو و عزت و شرف مسلمانان بیفزاید. انشاء الله تعالی.

از خداوند متعال برای همه ی شما موفقیت بیشتر و سعادت و ترقی

و خیر دنیا و آخرت مسئلت می نمایم و به مقتضای:

«من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عز و جل»^(۱)

در درجه ی اول از مرجع عالیقدر حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای گلپایگانی دام ظلّه بنیان گذار و مؤسس مجمع جهانی اسلامی لندن و مساجد و مجامع و مؤسسات اسلامی دیگر و سپس از دانشمند معظم حضرت آقای مصباح زاده که خدمات و زحماتشان در تأسیس این مجمع و احیای اسلام در این کشور بسیار قیمتی و درخشان است تقدیر و تشکر می نمایم.

«اللهم أنت المجازی لأهل البر و الجهاد فأجزهم خیر جزاء المحسنین و المجاهدین».

برای اینکه از این سفر یادگاری از خود به جای گذارده باشم به مناسبت ایام سوگواری ماه صفر و رحلت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و عید سعید میلاد آن حضرت در ۱۷ ربیع المولود مقالاتی با حال شدت کسالت و بیماری و نداشتن وسیله ای جز قلم و کاغذ نوشتم و به عنوان هدیه حضور برادران و خواهران محترم مسلمان، تقدیم می دارم. امید است اگر در آن نواقص و کوتاهی هایی باشد با قلم مهر، اصلاح فرمایند.

و ما توفیقی الا بالله

لندن / ۱۷ ربیع الاول ۱۳۹۷

[۱۷ اسفند ۱۳۵۵ هجری شمسی]

لطف الله صافی

ص: ۹

هدیه اول: درس هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله

اشاره

ص: ۱۱

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا) (۱)

به خواست خداوند متعال سخن ما در این مقاله تحت عنوان: «درس هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله» خواهد بود.

وجود مقدس حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله جامع انواع عظمت های انسانی و بزرگواری های یک فرد بی نظیر و بی مانند بشری بود که شرح هر یک از آن عظمت ها در این مقاله امکان ندارد. و اجمالاً اگر انبیاء و پیغمبران را ب -- ه لقب قهرمانان خواندن مناسب شأن رفیعشان بود باید آن حضرت را چنانچه مؤرخ شهیر انگلستان توماس کارلایل در بین تمام پیغمبران یگانه قهرمان خوانده، در همه ی عظمت ها قهرمان یگانه و موفق و بی نظیر بخوانیم.

در این مقاله فقط می خواهیم با چند رشته از عظمت های آن حضرت آشنا شویم و از هر یک برای سازندگی شخصیت خود درس و سرمشق بگیریم.

۱. عظمت در رسالت و دعوت

در بین دعوت کسانی که در تاریخ بشر برای اصلاحات اجتماعی یا انقلابات بنیادی قیام کرده اند. دعوتی عالی تر و رسالتی انقلابی تر و جامع تر از رسالت پیغمبر اسلام نبوده است.

ص: ۱۳

۱- (۱) احزاب، ۲۱؛ برای شما اگر به خدا و روز قیامت امید می دارید و خدا را فراوان یاد می کنید، شخص رسول الله مقتدای پسندیده ای است.

بدیهی است درک عظمت این رسالت محتاج به بررسی های زیادی است که به طور فهرست به بعض آنها اشاره می شود:

۱. بررسی اوضاع اخلاقی و دینی جوامع بشری در عصر ظهور آن حضرت.

۲. بررسی اوضاع علمی و فرهنگی.

۳. بررسی اوضاع اجتماعی ملل و امم.

۴. بررسی اوضاع سیاسی و رژیم های حاکم بر جوامع انسانی.

۵. بررسی وضع بانوان در سراسر دنیا و بالخصوص در جزیره العرب.

۶. بررسی وضع بردگان و غلامان.

۷. بررسی اوضاع اقتصادی و نظامات مالی.

۸. بررسی عادات و قواعد و رسوم.

۹. بررسی نظامات جنگی.

۱۰. بررسی ارزش حقوق انسان در آن زمان.

و بررسی های دیگر که فعلاً در این مقاله مجال بسط و تفصیل آن نیست و همه منتهی به این می شود که دنیا در تمام این شئون، وضع بسیار غیرانسانی و اسف انگیزی داشت که اگر رسالت حضرت محمدصلی الله علیه و آله به کمک بشریت نیامده و از او دستگیری نکرده بود و سیر ارتجاعی بشر از آن عصر به بعد هم چنان ادامه می یافت دنیا از علم و فضایل و حقوق و آزادی و آنچه بعد از آن حضرت به ظهور پیوسته محروم می ماند.

اساس عظمت دعوت پیغمبر اسلام دعوت به توحید و یکتاپرستی است که در کلمه ی طیبه ی لا اله الا الله خلاصه می شود. کلمه ای که از آن ارزنده تر و آزادی بخش تر و روشن تر و نجات دهنده تر نیست. کلمه ای که در آن تمام برابری ها و برادری ها و الغای امتیازات پوچ و موهوم نهفته

است. کلمه ای است که به گفته ی گوستاولوبون دانشمند مشهور فرانسوی در کتاب تمدن اسلام و عرب در بین ادیان تاج افتخاری است که فقط بر سر اسلام قرار دارد.

کلمه ای که استثمار و استضعاف را محکوم و ریشه کن می سازد و هر اطاعتی را که در اطاعت خدا و قانون خدا درج نباشد ناروا و غیرمجاز قرار می دهد. کلمه ای که اعلان آزادی بشر و حقوق انسان ها است. کلمه ای که مستبدان را به زانو در آورد و اعلان جنگ داد و بشریت را علیه آنها بسیج کرد. آری حکم مخصوص خدا است و غیر از او کسی که سزاوار پرستش باشد نیست. همه باید شعارشان کلمه ی «لا اله الا الله» باشد. شعاری که یک فرد عادی را با بزرگترین امپراطوری های عالم برابر می سازد و شعاری که هر کس آن را فهمید و درک کرد خود را با کسری و قیصر مساوی و برابر و بلکه در ارزش انسانی برتر یافت.

راجع به این شعار و این کلمه و معانی گسترده ی آن که شامل تمام شئون حیاتی انسان می شود سخن حتی در یک کتاب بزرگ به پایان نمی رسد و این جانب در رساله ای به نام «رساله توحیدیه» ابعادی از عقیده ی توحید را که با آزادی بشر و استقلال انسان ها و تهذیب افکار از عقاید موهوم و خرافی ارتباط دارد، شرح داده ام.

پایه ی دیگر دعوت اسلام برابری و مساوات است که آن هم رشته ای از معنی کلمه ی توحید است در قرآن می فرماید:

(تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ) (۱)

ص: ۱۵

بیاید به سوی کلمه ای که مساوی و برابر میان ما و شما است: اینکه نپرستیم مگر خدا را و شریکی برای او قرار ندهیم و بعض ما بعض دیگر را سوای خدا ارباب و صاحب اختیار خود نگیرد.

پایه ی سوم دعوت اسلام دعوت به برادری و همکاری و اخوت همگانی است که در آن رنگ و نژاد و فاصله های دیگر محو شود و تمام بشر را بتواند با هم برادر سازد.

که قرآن می فرماید:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا) (۱)

همه به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق و جدا نشوید و نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید آن هنگام که با هم دشمن بودید و خدا میان دل های شما الفت و پیوند داد پس به لطف او برادر شدید.

پایه ی چهارم رسالت اسلام، دعوت به عدالت و حکم به عدل و احسان و نیکی است که در قرآن می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) (۲)

خدا به عدل و احسان امر می کند.

ص: ۱۶

۱- (۱) همان، ۱۰۳.

۲- (۲) نحل، ۹۰.

(اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى) (۱)

عدالت ورزید که به پرهیزکاری نزدیک تر است.

(وَإِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ) (۲)

وقتی میان مردم حکم کردید، به عدل حکم کنید.

پایه ی پنجم دعوت به الغای امتیازات نژادی و قبیله ای و هر امتیاز دیگر که مانع تشکیل جامعه ی بزرگ و برادری جهانی است. در قرآن می فرماید:

(إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (۳)

پایه ی ششم دعوت به سعی و عمل و کار و کوشش است. چنانچه در قرآن می فرماید:

(وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (۴)

پایه ی هفتم دعوت به برابری زن و مرد در ارزش های واقعی انسانی است. چنانچه می فرماید:

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ

ص: ۱۷

۱- (۱) مائده، ۸.

۲- (۲) نساء، ۵۸.

۳- (۳) حجرات، ۱۳؛ ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

۴- (۴) نجم، ۳۹؛ و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست.

هر کس از مرد و زن که عمل صالح کند و مؤمن باشد او را به حیاتی پاک زندگی می دهیم و نیکوتر از آنچه عمل کردند به آنها پاداش می دهیم.

و در سوره ی احزاب می فرماید:

(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصِدِّقِينَ وَالْمُتَصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)(۲).

که حاصل معنی این است که در این فضایل ده گانه اسلام: ایمان، عبادت خدا، راستی، صبر و شکیبایی، خشوع و ترس از خدا،

ص: ۱۸

۱- (۱) نحل، ۹۷.

۲- (۲) احزاب، ۳۵؛ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

صدقه و احسان و نیکی، روزه داری و عفت و پاکدامنی، بسیار به یاد خدا بودن برای مرد و زن آمرزش و مغفرت و مزد بزرگ آماده است که در این میدان مسابقه در ارزش های حقیقی انسانی زن و مرد طبق تعالیم اسلام شرکت نمایند و هر کس گوی سبقت را برآید به خدا نزدیک تر و از کمال انسانی بهره مندتر است. اینها علاوه بر حقوق مالی و مدنی است که اسلام به زن عطا کرده و به او استقلال و شخصیت داده است که انسانی تر از آن در هیچ مکتبی نیست.

پایه ی هشتم این است که عقل و فهم بشر را مخاطب قرار داده و مردم را به تعقل تفکر مأمور می سازد و از آنها می خواهد که به حکومت عقل گردن نهند و حق را از باطل تشخیص دهند. در قرآن مجید می فرماید:

(إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لَأُولِي الْأَلْبَابِ) (۱)

(فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ) (۲)

پایه ی نهم این است که بشر را به علم و دانش و بینش تشویق می نماید و مقام علم را بالا برده و مافوق تمام مقامات قرار داده است و در آیات متعدد قرآن مجید خدا علم و دانش و دانشمندان را ستوده و به آن تشویق و امر فرمود و نام علما را در ردیف نام خود

ص: ۱۹

۱- (۱) زمر، ۲۱؛ در این مثال تذکری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا)!

۲- (۲) همان، ۱۷ و ۱۸؛ پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند.

پایه ی دهم این است که تعلیماتش همه مطابق فطرت است و تحمیل بر فطرت بشر نیست خواسته های واقعی بشر را بر می آورد، و غرائز او را رعایت و ملاحظه نموده است به هر چه نیکو و فطرت پسند است فرمان داده و از هر چه وجدان و فطرت پاک از آن متنفر

ص: ۲۰

۱- (۱). در این جا مناسب است به منزلت بزرگ و مقام عالی و ارزنده و مسئولیت بزرگی که دانشجویان عزیز دارند توجه شود. دانشجویان، شما می دانید که جامعه ی مسلمان از جهت راهنمایی های انسانی و تعالیم اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و ارشاد به تمام اصول واقعی و سازنده یک جامعه ی به تمام معنی زنده و متحرک و مترقی است و ضعیف نیست و به تصدیق دانشمندان بزرگ در هر عصر و زمان تعالیم اسلام پیشرو و انسان سازترین تعالیم و برنامه ها است. ضعفی که مسلمانان پیدا کرده اند در ناحیه ی علوم مادی و تجربی است که جوامع اسلامی به دانشمندان و محققان و متخصصان در رشته ها و شعب متعدد این علوم احتیاج دارند و این شما دانشجویانید که وظیفه دارید متعهدانه این ضعف را برطرف نمایید و این خلأ بزرگ را پر کنید. درس بخوانید و کوشش کنید و تحقیق نمایید برای اینکه آینده ی جامعه ی اسلام به علم شما و به ابتکار شما و به تحقیق شما مباحث کند؛ برای اینکه شخصیت علمی شما باعث عزت مسلمین و احتیاج دیگران به مسلمانان باشد؛ هیچ حد و مرزی برای تحقیق و بررسی قائل نباشید و هر چه می توانید جلو بروید. چرا باید جوایز علمی نصیب دیگران شود و چرا باید همیشه نظرات و تئوری های دیگران در دانشگاه های دنیا تدریس شود؟ تا چند قرن پیش، مسلمانان با تقدم علمی در همه جا شهرت و معروفیت داشتند و دانشمندان ما در واقع بنیان گذاران علوم بودند؛ جابر بن حیان یکی از شاگردهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است که کتاب هایش به زبان های زنده ترجمه شده و اختراعاتی دارد و بیش از پانصد رساله در رشته های علمی نوشته و کسی است که به پدر شیمی ملقب شده است. شما دانشجویان عزیز اگر درس می خوانید برای اینکه مدرکی بگیریید یا علم را وسیله رسیدن به پول و مقام قرار دهید ارزش شما از نظر اسلام همان پول و مقامی است که به آن می رسید و مزد شما هم همان است ولی اگر برای رفع کمبودی که در اجتماع مسلمانان است و برای تجدید عظمت های علمی مسلمانان و برای اینکه ذخائر و سرمایه های واقعی اسلام باشید و مسلمین را از فقر علمی نجات دهید و از بیگانه بی نیاز سازید درس می خوانید، بدانید منزلت و رتبه ی شما بسیار بسیار رفیع است و اجر و پاداش شما را فقط خدای بزرگ می تواند عطا کند و عطا می فرماید. به امید کوشش شما و تعهدات اسلامی شما.

است نهی کرده است. در قرآن مجید می فرماید:

(فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) (۱).

به پادار روی خود را از برای دین حنیف و خالص فطرت خدا است که مردم را بر آن سرشته است تبدیلی در آفرینش خدا نیست این است دین قیّم و استوار ولی بیشتر مردم نمی دانند.

پایه ی یازدهم این است که دعوت اسلامی، افراد مسلمان را متعهّد و مسئول می نماید که در حسن جریان امور و اجرای احکام و برنامه ها و نظامات اسلامی و تامین مصالح عمومی مداخله و نظرات نمایند و جامعه رستگار را چنان جامعه ای می داند که این اصل در آن اجرا می شود و این اصل در دو عبارت کوتاه و پرمعنی خلاصه می شود: «امر به معروف و نهی از منکر»

در قرآن مجید می فرماید:

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (۲)

باید از شما گروهی باشند که به سوی خیر و نیکی دعوت کنند و امر به معروف و خوبی

ص: ۲۱

۱- (۱) روم، ۳۰.

۲- (۲) آل عمران، ۱۰۴.

بنمایند و از منکر و کار زشت باز بدارند و ایشان همان رستگاران اند.

و به قدری این اصل نظارت مردم بر اجرا قوانین بزرگ است که علی علیه السلام می فرماید:

«ما اعمال البر كلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفته فی بحر لجی»^(۱)

پایه ی دوازدهم دعوت اسلام به صلح و سازش و گذشت و اغماض و عفو و مقابله کردن با بدی به نیکی و پاداش دادن سفاقت و جهالت به مهر و محبت و یاری و اعانت است در قرآن مجید می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً)^(۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید همگان در سازش وارد شوید.

و نیز می فرماید:

(وَلَا تَشْتَوِي الْحَسَنَةَ وَلَا السَّيِّئَةَ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ)^(۳)

ص: ۲۲

۱- (۱) نهج البلاغه، حکمت ۳۸۰؛ تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدادر جنب امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست

جز به مانند انداختن آب دهان در دریای پهناور

۲- (۲) بقره، ۲۰۸.

۳- (۳) فصلت، ۳۴.

خوبی و بدی برابر نیستند. بدی را به آن طور که نیکوتر است برگردان تا آن کسی که میان تو و او دشمنی است مثل دوست خویشاوند گردد.

و پایه های دیگر راجع به عالم غیب و امور مالی و اقتصادی و سیاسی و اخلاقی و عفت عمومی و آداب و فضایل تعاون و خیرخواهی و رعایت اعتدال در کارها و امور انسانی دیگر که همه از قرآن مجید و سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرین علیهم السلام استفاده می شود و شایسته است که شخص مسلمان حداقل آیات مربوط به این پایه ها را که در هر مجمع انسانی عالی ترین اصول شمرده می شود حفظ نماید.

۲. عظمت در اراده و تصمیم

دومین عظمت از عظمت های پیامبر اسلام عظمت در اراده و تصمیم است انجام کارهای بزرگ و قیام و انقلاب محتاج به اراده قوی و عزم راسخ و تصمیم محکم و استوار است. هر چه کاری که شخص می خواهد انجام بدهد عظیم تر باشد تصمیم بزرگتر و قوی تر می خواهد. بسیاری از مردم هستند که سخن از کار بزرگ و عمل خطیری به میان می آورند و به ظاهر خود را مصمم بر انجام آنها کار نشان می دهند اما در وسط کار تطمیعات مالی و یا شهوانی یا جاه و مقام یا تهدیدات و سختی ها و دشواری ها و مصائب آن را از کار منصرف و تصمیم شان را ضعیف و باطل می نماید.

پیغمبر اسلام به حق در میان مردان بزرگ تاریخ در تصمیم،

عظیم و یگانه بود. وقتی مأموریت رسالت جهانی در غار حرا به عهده او واگذار شد، وقتی مبارزه با تمام گردن کشان و استثمارگران دنیا و مذاهب باطله و منسوخته و عادات سخیفه و زورمندان وحشی و غارت گران و آدم کشان و الغاء رسوم شرک و بت پرستی از جانب خدای جهان به او پیشنهاد شد بدون درنگ پذیرفت و از غار حرا برای انجام آن قیام و انقلاب بزرگ و تاریخی قدم بیرون گذارد و مأموریتی را که احدی جرأت اظهار آن را در برابر یک نفر نداشت مصممانه به دوش گرفت و در مکه مرکز بت ها و بت پرست ها و کسانی که فخر و افتخارشان آدم کشی و قتل و غارت بود، اعلان کرد و بدون خوف و بیم فریاد:

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا»^(۱)

را بلند فرمود.

در اینجا شخص باید تاریخ را مطالعه کند تا از زبان گویای آن، مصائب و دشواری ها و زحمات و رنج هایی را که به پیغمبر در راه اعلام عقیده ی توحید و ابلاغ احکام اسلام رسید، بشنود.

فشارها و رنج هایی که پیغمبر دید هر یک از آنها برای اینکه یک مرد مصمم را از کار خود باز دارد کافی بود؛ او را اذیت می کردند توهین می نمودند سنگ باران می کردند دروغگو و ساحر و مجنون

ص: ۲۴

۱- (۱) مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۵۶؛ طارق محاربی نقل می کند رسول خدا صلی الله علیه و آله را در بازار ذوالمجاز که در دوره جاهلی هشت روز، در یک فرسنگی عرفات بر پا می شده است، دیدم که روجامه ای بر تن داشت و می گفت: ای مردم! بگوئید پروردگاری جز خداوند نیست تا رستگار شوید. ابولهب هم پشت سر ایشان حرکت می کرد و بر او سنگ می زد آن چنان که پاشنه ها و ساق های او خون آلود شده بود و می گفت: ای مردم از او فرمان مبرید چون او دروغگوست.

می خواندند کسانی را که به او ایمان می آوردند مورد شکنجه و تعذیبات سخت قرار می دادند. سه سال او را و کسان و یارانش را در شعب ابی طالب که درّه ای بود محصور ساخته و با آنها قطع رابطه کردند. ولی محمد صلی الله علیه و آله در تصمیم خود باقی ماند، متزلزل نشد؛ عقب ننشست؛ به آینده اطمینان داشت و امیدوار و خوش بین بود که بر تمام این موانع و شدائد پیروز می شود. وقتی دیدند تهدید و شکنجه و قطع مواد خوراکی و قطع رابطه، کاری انجام نمی دهد و محمد صلی الله علیه و آله را در رسالتش سست نمی سازد از راه تطمیع جلو آمدند. به ابوطالب گفتند پیشنهاد می دهیم اگر محمد صلی الله علیه و آله مال می خواهد به قدری مال به او بدهیم که از همه ی ما ثروتمندتر شود و اگر زن زیبایی می خواهد زیباترین دوشیزگان را به ازدواج او در می آوریم و اگر ریاست و حکومت می خواهد او را بر خود حاکم و رئیس قرار می دهیم، خلاصه هر چه بخواهد در اختیار او می گذاریم و این انقلاب دینی و اجتماعی را که شروع کرده است تعقیب ننماید.

وقتی ابوطالب پیشنهاد آنها را به عرض برادر زاده ی عزیزش رساند و فراهم شدن تمام شئون دنیایی و لذائد مادی را به او خبر داد و تاریخ را با این پیشنهاد بر سر دو راهی قرار داد چه جواب شنید؟ لحظه ی خطیری بود که هر کلمه ای بر زبان محمد صلی الله علیه و آله جاری می شد در سرنوشت تاریخ، اثر می گذاشت. اگر ابوطالب، جواب مثبت می شنید بت ها باقی می ماند و زنده به گور کردن دخترها ادامه می یافت، رباخواری، ظلم و ستم و استضعاف

رژیم های فاسد و سلب حقوق ضعفا، همه آزاد می شد و محمد صلی الله علیه و آله هم با گرفتن حق السکوت در خانه می نشست و به عیش و لذت رانی سرگرم می شد و از نظر سران بت پرست ها عزت و احترامش فوق العاده می گشت.

اما محمد صلی الله علیه و آله مأموریتش خدایی بود و تصمیمش آسمانی. او بدون تردید و بدون درنگ به عمویش فرمود: «اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپم بگذارند که از دعوت خود دست بردارم قبول نخواهم کرد.»^(۱)

آری! دنیا و آنچه در آن است از زر و زیور و مال و ثروت و مقام و ریاست در چشم مرد حق و بنده ی حق پیشیزی ارزش ندارد و مرد خدا را فریب نمی دهد.

تاریخ زندگی پیغمبر اسلام در همه ی حالات نمایشگر تصمیم و عزم راسخ و پایداری و استقامت او است.

در جنگ احد که آن چشم زخم بزرگ به سپاه اسلام رسید محمد صلی الله علیه و آله فقط خدا را می خواند. در جنگ بدر که قریش و لشکر کفر با ساز و برگ و عِدّه و عُیّده ی کافی آمده بودند و به ظاهر بر حسب قوای مادی فتح خود و شکست مسلمانان را قطعی می دانستند به درگاه خدا عرض می کرد:

«اللهم ان تهلك هذه العصابة من اهل الاسلام لا تعبد فی الارض»^(۲)

ص: ۲۶

۱- (۱) الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۴

۲- (۲) تاریخ طبری ج ۲ ص ۴۴۷؛ بار خدایا اگر این گروه از اهل اسلام را هلاک سازی، هیچ کس در روی زمین ترا نخواهد پرستید.

همه جا و در هر ایستگاه عظمت تصمیمش نمایان و درخشان بود و در هیچ کجا سست نشد.

۳. عظمت در زهد و بی‌اعتنایی به دنیا

در این عظمت، پیامبر گرامی اسلام نمونه و یگانه و سرآمد تمام زهاد بود.

از نشانه‌های زهد آن حضرت این بود که در آن وقتی که در اوج عظمت ظاهری و قدرت مادی قرار گرفته بود با دست خود نعلین خود را می‌دوخت و لباس خود را وصله می‌کرد و از تجملات دنیا پرهیز داشت و اگر زیوری از زیورهای دنیا را در خانه می‌دید می‌فرمود:

«آن را از نظر من پنهان کنید؛ مبادا که به دیدنش مشغول شوم و به یاد دنیا افتم.»^(۱)

بسیار اتفاق می‌افتاد که روزها و بلکه ماه می‌گذشت و در خانه‌ی آن حضرت غذایی طبخ نمی‌شد و فقرا و مستمندان را بر خودش و فاطمه عزیزش و حسن و حسینش مقدم می‌داشت.

در آن عصر محروم‌ترین طبقات که از هر جهت حالشان تأسف‌انگیز بود و مورد استضعاف بودند و تحمیلات طاقت فرسا به آنها می‌شد غلامان و بردگان بودند که افتادگان اجتماع بودند. پیامبر عزیز اسلام که رسالت و دعوتش در جهت کمک به آنها و آزاد کردن آنها و حفظ حقوقشان قرار داشت و در قرآن مجید درباره‌ی آنها به طور مؤکد سفارش شده و برنامه‌ای برای آزادی آنها مقرر شده است، در منظر

ص: ۲۷

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

خارجی و خوراک و پوشاک و نشست و برخاست مانند غلامان بود. (۱) غذایش از غذای غلامان خوردنی تر و لذیذتر نبود و لباسش از لباس آنها بهتر نبود و مانند آنها می نشست. پول و درهم ذخیره نمی فرمود آن قدر روی حصیر نشسته بود که بر بدنش اثر گذاشته بود.

پیغمبران دیگر مانند عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیه السلام هم زاهد بودند. اما تفاوت عیسی مسیح با پیغمبر اسلام این است که عیسی مال و مقامی در اختیار نداشت ولی پیغمبر اسلام قبل از اینکه به رسالت مبعوث شود و در آغاز بعثت ثروت سرشار خدیجه را در اختیار داشت و در سال های پایان عمر تمام شبه جزیره ی عربستان را؛ اما همچنان زاهد و بی اعتنا به دنیا بود. به جوع و گرسنگی عادت داشت و روزه بسیار می گرفت.

۴. عظمت و رعایت مساوات و برابری انسانی با مردم

در این عظمت پیغمبر عظیم الشان اسلام، یگانه معلّم مساوات و برابری بود علاوه بر آنکه به وسیله ی وحی الهی و آیات قرآن مجید برابری و مساوات انسان ها را اعلام داشت عملاً نیز آن را به مردم تعلیم داد.

مجالس او بالا و پایین نداشت و از چگونگی نشستن آن حضرت و اصحابش پیغمبر شناخته نمی شد تا کسی بگوید آنکه مقدم بر همه و بالای مجلس نشسته است پیغمبر است؛ یا اینکه اغنیا و

ص: ۲۸

۱- (۱) پیرامون تلاش جدی و پیگیر اسلام در جهت ارزش دادن به بردگان و آزادی هر چه بیشتر آنان می توان به آیات ذیل مراجعه نمود: بقره، ۱۷۷ و ۲۲۱؛ نساء، ۲۵ و ۹۲؛ توبه، ۶۰؛ نحل، ۷۱؛ نور، ۳۲ و ۳۳؛ روم، ۲۸؛ بلد، ۱۲ و ۱۳.

اقویا به او نزدیک تر بنشینند. این حرف ها که هنوز هم در دنیای به اصطلاح متمدن هوادار دارد در مجلس پیغمبر و مکتب تربیتی او وجود نداشت. فقیر و غنی و شاه و گدا همه از چشم پیغمبر یکسان بودند.

در جنگ بدر که مرکب و اسب و شتر مسلمان ها کم بود و مطابق نفرات مرکب نداشتند و مراکب را بین نفرات به طور متعادل تقسیم کردند به هر دو یا سه نفر یک مرکب رسید. که به تناوب سوار و پیاده شوند. از جمله به پیغمبر صلی الله علیه و آله و دو نفر دیگر که یک نفر از آنها علی علیه السلام بود یک مرکب رسید هر وقت نوبت پیاده رفتن پیغمبر و فرمانده ی کل قوا می شد علی علیه السلام و نفر دیگر می گفتند: «یا رسول الله! شما سوار باشید؛ پیاده نشوید، ما پیاده می آییم.» اما پیغمبر قبول نمی فرمود و پیاده می شد و قریب به این مضمون می گفت: «نه شما از من در پیاده رفتن تواناترید و نه احتیاج من به اجر و ثواب و رحمت خدا از شما کمتر است.»^(۱)

در یکی از غزوات و جنگ ها می خواستند گوسفندی را ذبح و طبخ نمایند هر کدام از اصحاب کاری را عهده دار شدند. پیغمبر فرمود: «من هم هیزم جمع می کنم.» گفتند: «ما شما را از کار بی نیاز می سازیم.» فرمود: «نمی خواهم بر شما امتیاز داشته باشم.»^(۲)

می فرمود:

«کلکم لآدم و آدم من تراب

ص: ۲۹

۱- (۱) دلائل النبوه، ج ۳، ص ۳۹.

۲- (۲) مکارم الأخلاق، ص: ۲۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۷۳.

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ

ولیس لعربی علی عجمی فضل إلا بالتقوی»(۱)،

«الناس سواء كاسنان المشط»(۲)

همه ی مردم با هم برابرند؛ کسی را بر کسی برتری نیست.

۵. عظمت در اصلاحات بنیادی اجتماعی

در تاریخ رهبران اصلاحات و انقلابات بزرگ، احدی نیست که مانند پیغمبر اسلام در مدتی کوتاه این همه انقلاب فکری و عملی و اجتماعی به وجود آورده باشد. منفلوطی می گوید: «مردی خدمت رسول خدا عرض کرد: یا رسول الله! ما نمی دانیم با چه زبانی از شما تقدیر و تشکر نماییم. شما بر ما حقوق و ممت های بزرگ دارید ما را از زیر بار سنگین عادات زشت و غل ها و زنجیرهایی که خود را به آن گرفتار کرده بودیم نجات دادی. سپس داستان دختر هفت ساله اش را که زنده به گور کرده بود به عرض رسانید و گفت: فراموش نمی کنم وقتی می خواستم دختر زیبا و شیرین زبانم را زنده به گور کنم و خاک بر رویش بریزم دامنم را گرفته بود و التماس می کرد و می گفت پدر چرا با من این گونه رفتار می کنی؟ اما هرچه گفت و التماس نمود و گریه و زاری کرد نتوانست مرا از آن عمل و جنایت بزرگ و ننگین باز دارد و من با دست خود، دختر شیرین زبان

ص: ۳۰

-
- ۱- (۱) شرح نهج البلاغه لابن اَبی الحدید، ج ۱، ص ۱۲۸؛ همه شما از آدم هستید و آدم از خاکست، گرامیترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست و نیست برای عرب فضیلت و برتری بر عجم مگر به پرهیزگاری.
- ۲- (۲) تثبیت دلائل النبوه، ج ۲، ص ۵۵۳؛ مردمان مساویند مانند دندانهای شانه.

هفت ساله ام را زنده به گور کردم. تو ای پیغمبر! بر ما منت ها داری که ما را از این عادات پلید و غیر انسانی نجات دادی.»

تولستوی می گوید: «شک نیست که محمّد صلی الله علیه و آله از بزرگترین رجال و مردانی است که به اجتماع خدمات بزرگ کردند. همین قدر در فخر او بس است که امتی را به نور حق هدایت کرد و از خونریزی و زنده به گور کردن دختران و قربانی کردن انسان ها بازداشت و مردی مانند او سزاوار احترام و اکرام است.»

پیغمبر از دنیا نرفته بود که آیین بت پرستی در شبه جزیره ی عربستان از بین رفت و از بت ها اثری نماند و خداپرستی و نماز و روزه و زکات و سایر فرایض و برنامه های اسلام عملی شد و رباخواری موقوف گردید. می نوشی و می گساری که بسیار رواج داشت به محض نزول آیه ی تحریم خمر، متروک گردید و یک نفر لب به شراب نگذارد و قطره ای از آن یافت نمی شد. در روز اعلام تحریم خمر تمام خمره های شراب را خود مردم روی زمین ریختند. قماربازی موقوف شد. زنان و دختران عزّت یافتند و به حقوق واقعی یک انسان نایل شدند. بردگان، احترام انسانی پیدا کردند، از ظلم و تحمیلات مصونیت یافتند و برنامه های آزادی آنها با سرعت شروع شد. معاملات و بازرگانی ها بر اساس صحیح قرار گرفت. از بی عفتی ها و ناپاکی ها و زنا و رفیق گرفتن های زن ها و کارهای نکوهیده دیگر اثری باقی نماند. تکبر و استبداد، ننگ و عار گشت و تواضع و فروتنی افتخار شد. قوانین و مقررات ارث و ازدواج و طلاق و جهاد و صلح و وصیت و هبه و رهن و مزارعه و مساقات و احیاء

موات و قضاء و شهادت و غیره اجرا شد و دیگر حقوق مالی ایتام پایمال نمی شد. دیگر بانوان جزء متروکات مرد شمرده نشدند و با طلاق های مکرر و نامحدود و رجوع های پی در پی بلا تکلیف و سرگردان نشدند. فقرا و زیردستان اجتماع در مجتمع انسانی اسلام در صف اغنیا قرار گرفتند و بلکه بر اساس صلاحیت و شایستگی بر اغنیا، امارت می یافتند.

شرح عظمت پیغمبر در اصلاحات بنیادی اجتماعی و انقلاب بی توقف و هر زمان و هر مکانی اسلام، بسیار طولانی است و الحق که تاریخ، احدی از رجال اصلاح و انقلاب را در این همه رشته های گوناگون مادی و معنوی و روحی و جسمی و فردی و اجتماعی - در این مدت کوتاه - مانند آن حضرت موفق و پیروز، نشان نمی دهد.

۶. عظمت در تشریح قوانین و احکام و شرایع

در بین مشرعین بزرگ و قانونگذاران، توفیقی که نصیب پیغمبر اسلام شد نصیب احدی نشده است.

علاوه بر آنکه قوانینی که قانونگذاران و مجالس بزرگ مقننه با آن همه عرض و طول وضع می نمایند جامع و کامل و خالی از عیوب و نواقص نیست و موسمی و موقت است و پس از مدّت کوتاهی به تجدید نظر و اصلاح و بلکه الغای آن محتاج می شوند قانونگذاری که بتواند در مدت بیست و سه سال با اشتغالات خطیر گوناگون - که هر یک برای اینکه تمام وقت شخص را بگیرد و او ضمن پرداختن به امور نماز، روزه، حج، دعا، معاملات، تجارت،

اقتصاد، کشاورزی، دامداری، باغداری، همسررداری، فرزندداری، ارث، سیاست، داوری، حل و فصل دعاوی و اختلافات، کیفر و مجازات و اخلاق و آداب حتی آداب غذا خوردن، لباس پوشیدن، خوابیدن، راه رفتن، نشستن، بیماررداری و بهداشت و احکام اموات و غیره با گفتار و عمل، هزاران هزار مواد جامع و کامل و قانون و برنامه ی زندگی به بشریت عرضه کند - غیر از پیغمبر اسلام روی صفحه ی تاریخ و دنیا ظاهر نشده است. هر کس این موضوع را باور نمی کند می تواند شخصاً قوانین اسلام را بررسی نماید و می تواند به نتایج تحقیقات محققان منصف غیر مسلمان رجوع نماید.

اهمیت این موضوع وقتی بیشتر ظاهر می شود که به قانونگذاری ها و همکاری ها و همفکری ها و مطالعات و مباحثات دامنه داری که پیرامون یک ماده ی قانونی می شود و بالا-خره به مجالس مقننه ارجاع می گردد و تحت شورها و بررسی واقع می شود توجه نماییم.

آیا این عظمت نیست که شخصی بدون مشاور و معاون و بدون سابقه ی مطالعات قانونی و دیدن دانشکده های حقوق و بدون سابقه ی بررسی های بهداشتی و اجتماعی و تجارب قضایی و مالی و غیره در تمام جهات و حقوق مردم، قوانینی عرضه بدارد که هنوز پس از چهارده قرن، زنده و انسانی ترین قانون اجتماع و اصول و مواد آن مورد تصدیق و حمایت حقوقدانان جهان و به عقیده ی اهل تحقیق و انصاف، یگانه راه حل مشکلات کنونی بشریت باشد؟

واقعا این عظمت حیرت انگیز است و دلیل بر روحی الهی و رسالتی آسمانی است.

اسلام، دین علم است؛ دین معارف است. یکی از عظمت های حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله این است که معارفی که در قسمت الهیات و خداشناسی و مبداء و معاد و رشته های دیگر عرضه داشته استوارترین و منطقی ترین معارف است.

مسلم است که پیغمبر اسلام درس نخوانده بود و اصلاً شبه جزیره ی عربستان محل درس نبود و اگر کسی هم می توانست چند کلمه ای بنویسد چیزی نبود و او را از علوم و معارف بهره مند نمی کرد؛ مانند میلیون ها افرادی که سواد خواندن و نوشتن دارند اما از حقایق و معارف بهره ای ندارند. این علومی که از پیغمبر اسلام ظاهر شده و در کتاب آسمانی او شرح و بیان گردیده است با سال ها تحصیل در دانشگاه های الهیات و تحقیق در رشته های مختلف فلسفه و حقوق و علوم فراهم نمی شود.

صحیح ترین و محکم ترین عقاید را در قسمت الهیات و فلسفه ی نظری و در قسمت اخلاق و حکمت عملی در اختیار بشر گذارد. و در رشته های مختلف علوم که بسیاری از آن سال ها و قرن ها بعد کشف و بر بشر معلوم شده مثل جنین شناسی، نبات شناسی، معرفت اعضاء، کیهان شناسی، عدد ستارگان، مسئله ی تسخیر فضا، طرز جلوگیری از بیماری های مسری و موجودات ذره بینی و... آن قدر در قرآن مجید و احادیث شریفه بیانات و مطالب ارزنده موجود است که شرحش را در کتاب هایی که دانشمندان مطلع در این موضوع

نوشته اند باید خواند و بهتر این است که در این موضوع

چون هر چه کلام را مبسوط کنیم باز هم مختصر گفته ایم به دو شعر حافظ شیرازی اکتفا می نماییم:

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

در این جا برای اینکه مقاله طولانی نشود سخن را کوتاه می کنیم و از بیان سایر نواحی عظمت رسول گرامی اسلام مانند عظمت استقامت و شجاعت و تقوا و عبادت و صداقت و امانت و عفو و گذشت و خلق عظیم و معجزات آن حضرت و عظمت های قرآن مجید که معجزه ی جاودان و دلیل صحت نبوت تمام انبیاء است صرف نظر می نماییم. در جایی که بیگانگان زبان به تعظیم و اعتراف بگشایند و شاعر دانشمند مسیحی در قصیده ای که در مدح پیغمبر اسلام می سراید می گوید.

انی مسی --- حی اهل محمدا و اراه فی سفز العلا عنوانا

من مسی - حی هستم و محمّد را تجلیل می کنم و او را سرآغاز کتاب علو و بلن --- دی مقام می دانم

و دکتر شبلی شمیل طبیعی در قصیده ای که عظمت های آن حضرت را ستوده است بگوید:

من دونه الا بطلال فی کل الوری من حاض --- ر او غائی -- ب او آت

تمام مردان بزرگ دنیا و قهرمانان گذشته و حال و آینده مقامشان و شأنشان و شخصیتشان مادون مقام اعلای محمّد صلی الله علیه و آله است.

ص: ۳۵

معلوم است که مسلمانان باید چقدر حق شناس زحمات و هدایت ها و راهنمایی های آن حضرت باشند.

امید است در این عصر، مسلمانان آگاه و فداکار، خصوصاً نسل جوان، رسالت اسلام را به مردم دنیا برسانند و تمام نقاط را به انوار هدایت آن متصل سازند و اعصار طلایی ایمان و عمل را متعهدانه تجدید نمایند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

ص: ۳۶

هدیه دوم: سیری در زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مواقف امام صادق علیه السلام

اشاره

ص: ۳۷

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ) (۱).

در این بخش، بطور اختصار به موضوعات ذیل می پردازیم (۲):

۱. زندگی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

۲. موقف حساس و بلند علمی حضرت صادق علیه السلام در تاریخ علوم و معارف اسلام.

۳. فایده بزرگداشت روزهای تاریخی اسلامی و بعضی تذکرات پیرامون موضوع اوّل زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

حضرت محمّد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم در عام الفیل سال ۵۷۱ میلادی متولّد و دنیا را به نور جمال خود منور و روشن ساخت.

زندگی آن حضرت را می توان در چهار فصل یا چهار قسمت مطالعه و بررسی کرد.

فصل اوّل: دوران رضاع، و صباوت و کودکی

در این دوره چنانچه تواریخ معتبر شرح می دهند اموری از آن

ص: ۳۹

-
- ۱- (۱) محمد، ۲؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد (ص) نازل شده - و همه حقّ است و از سوی پروردگارش - نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می بخشد و کارشان را اصلاح می کند!
- ۲- (۲) به عنوان تقدیم هدیه ای دیگر، حضور برادران و خواهران محترم مسلمان مقیم انگلیس.

حضرت دیده می شد که نشانه آینده ای بزرگ و درخشان بود، و خیر و برکت در قبیله حلیمه که دایه و مرضعه ی آن حضرت بود ظاهر گشت. تا سن هشت سالگی کفالت و خدمتگزاری پیغمبر با جدش عبدالمطلب بود، پس از آن بر حسب وصیت عبدالمطلب به عمویش ابوطالب واگذار شد، و ابوطالب تا زنده بود از خدمت و حمایت آن حضرت کوتاهی نکرد.

فصل دوم: دوران بعد از کودکی تا بعثت

در این دوره آن حضرت به اخلاق کریمه و عفت و پاکدامنی، تواضع، جود و بخشش، و بزرگواری و مخصوصاً صداقت و امانت معروف و مشهور شد تا حدی که او را محمّد امین لقب دادند، و در هنگام اختلاف قبایل بزرگ عرب بر سر نصب حجرالاسود که نزدیک بود آتش جنگ بزرگی شعله ور شود همگان آن حضرت را به حکمیت و داوری قبول کردند، با تدبیر حضرت، آن اختلاف بزرگ مرتفع، و تمام قبایل راضی و خشنود شدند، در این دوره هرگز از آن حضرت کار لغو و شرکت در عمل لاهی دیده نشد. مردم را به ضیافت، و میهمانی دعوت می فرمود، و یتیمان را کفالت و پرستاری می کرد. به بینویان و درماندگان و افتادگان کمک می نمود و مظلومین را یاری می کرد و در حلف الفضول آن پیمان مقدسی که به ابتکار بنی هاشم مخصوصاً زبیر عموی پیغمبر برای جلوگیری از تجاوز و ظلم در خانه ی عبدالله بن حُدغان بسته شد صمیمانه شرکت فرمود، و بعدها نیز آن پیمان و یاد آن همکاری را گرامی

۱- (۱) پس از بازگشت قریش از جنگ «فجار» در ماه ذی القعدة، جمعی در خانه عبد الله بن جدعان بعد از شستن دستان خود در آب زمزم هم پیمان شدند که برای یاری هر ستمدیده در مکه و گرفتن حق وی اقدام کنند. هم پیمانان عبارت بودند از «بنی هاشم»، «بنی مطلب بن عبد مناف»، «بنی زهره بن کلاب»، «بنی تیم بن مره» و «بنو أسد بن عبد العزی». علت این پیمان این بود که مردی از زبید وارد «مکه» شد و متاعی در دست داشت. «عاص بن وائل» آن را خرید، ولی مبلغی را که متعهد شده بود در عوض آن بپردازد، نپرداخت. مشاجره میان آنان در گرفت، مردم زبیدی از احلاف (هم پیمانان) کمک خواست. احلاف را لعقه الدّم می خواندند، زیرا هنگامی که هم پیمان شدند، دستان خود را در خون فرو بردند. آنان عبارت بودند از: عبد الدار، مخزوم، جمح، سهم و عدی بن کعب. احلاف از کمک به مرد زبیدی خودداری کردند و او را از خود راندند. زبیدی بر فراز کوه ابو قیس ایستاد و فریاد کمک خواهی سر داد. «زبیر بن عبد المطلب» و عده ای دیگر در خانه «عبد الله بن جدعان» انجمن نمودند و با هم پیمان بسته و هم قسم شدند تا آن جا که امکانات موجود اجازه می دهد، حقوق مظلوم را از ستمگر بگیرند. بعد از اتمام مراسم به سوی «عاص بن وائل» آمده و متاع را از وی گرفته و به صاحبش بازگرداند. نام این پیمان حلف الفضول یعنی پیمان فضل ها گذاشته شد زیرا در گذشته میان «جرهمی ها» پیمانی به نام «حلف الفضول» وجود داشت و اساس آن دفاع از حقوق افتادگان بود. بنیان گذاران آن پیمان، کسانی بودند که نام همه آنان، از ماده «فضل» مشتق بوده است. نام های آنان عبارت بود از: «فضل بن فضاله»، «فضل بن الحارث» و «فضل بن وداعه» و چون پیمانی که «زبیر بن عبد المطلب» و عده ای دیگر در خانه «عبد الله بن جدعان» با هم بسته بودند از نظر هدف (دفاع از حقوق مظلوم) با «حلف الفضول» یکی بود، نام این اتحاد را نیز «پیمان فضول» نامیدند. رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در این پیمان که حیات مظلومان را بیمه می کرد، شرکت نمود و درباره عظمت این پیمان، فرموده است: «در خانه عبد الله جدعان، شاهد پیمانی شدم که اگر حالا نیز (پس از بعثت) مرا به آن پیمان فرا خوانند، اجابت می کنم، یعنی حالا نیز به عهد و پیمان خود وفا دارم». پیمان فضول به قدری محکم و پایرجا بود که نسل آینده نیز خود را موظف می دید که به مفاد آن عمل نماید. گواه مطلب، جریانی است که در دوران فرمان داری «ولید بن عتبّه بن ابی سفیان» برادرزاده معاویه که از طرف وی حکومت مدینه را بر عهده داشت، اتفاق افتاد. سالار شهیدان حضرت امام حسین بن علی علیه السلام بر سر مالی با حاکم مدینه اختلاف پیدا نمود. ایشان برای درهم شکستن اساس ستم و آشنا ساختن دیگران با حقائق حق خود رو به فرمان دار مدینه کرد و چنین گفت: به خدا سوگند، هر گاه بر من اجحاف کنی، دست به قبضه شمشیر می برم و در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می ایستم و مردم را به آن پیمانی که پدران و نیاکان آن ها بنیان گذاران آن بودند، دعوت می نمایم. از آن میان، عبد الله بن زبیر برخاست و همین جمله را تکرار کرد و در ضمن افزود: همگی نهضت می کنیم و حق او را می گیریم و یا این که در این راه کشته می شویم. دعوت حسین بن علی علیه السلام، کم کم به گوش همه افراد غیور مانند «المسور بن مخرمه» و «عبد الرحمن بن عثمان» رسید، تمام لیبیک گویان به سوی امام علیه السلام شتافتند و در نتیجه فرمان دار از جریان وحشت کرده و دست از اجحاف برداشت. الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۲.

سرشناس و دارای ثروت زیاد و به عقل و درایت موصوف بود، و چهل سال از عمرش گذشته بود ازدواج کرد، و اموال و ثروت بسیار او را که صادقانه تحت اختیار آن حضرت گذارد در راه رفاه مردم، و دستگیری از ضعفا، و فقیران انفاق کرد و با آن ثروت سرشار دلش به تجمل و خوشگذرانی مایل نشد.

فصل سوم: از بعثت تا هجرت به مدینه

در این دوره به رسالت از جانب خدای یگانه به سوی بشریت مبعوث و برانگیخته شد و بزرگ ترین و سنگین ترین مسئولیت ها را به عهده گرفت و با ندای «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» دعوت خود را آغاز فرمود و بطلان رسوم شرک و بت پرستی و عادات باطله و تبعیضات گوناگون و استثمار و استعباد و استضعاف را اعلان کرد.

مدتی گذشت و پیغمبر در میان استهزا و اذیت و آزار قوم به دعوت می پرداخت و جز علی بن ابیطالب علیه السلام - که سنش در ابتدای بعثت از ده سال بیشتر نبود - و نیز همسر با وفا و خردمندش

- که با روشن بینی خاص و سوابق درخشانی که از اخلاق کریمه ی پیغمبر داشت حقیقت دعوت و آسمانی بودن رسالت شوهر گرامی اش را درک می کرد - ائمتی نداشت؛ اما پیغمبر مصرّانه با پشتکار عجیب دعوت را تعقیب می فرمود. علی و خدیجه او را یاری می کردند علی در خارج خانه و خدیجه در داخل خانه. (۱)

در این جا دو حکایت تاریخی از آغاز دعوت که از آنها هم استقامت و پایداری پیغمبر معلوم می شود و هم ریشه و سابقه ی مذهب تشیع که اسلام خالص است نشان داده می شود به عرض می رسد:

حکایت اوّل: عفیف کنندی (قریب به این مضمون) می گوید: سالی برای تجارت و بازرگانی به مکه رفتیم. با عباس عموی پیغمبر روابط تجاری داشتیم. در مسجد الحرام بودیم که هنگام زوال آفتاب، مردی را دیدم. آمد و نگاهی به آفتاب کرد و ایستاد. پسری در طرف راست او و زنی هم پشت سرش ایستاد، و برنامه ای [عبادی] انجام دادند. من تعجب کردم. از عباس پرسیدم: «این چه برنامه ی بی سابقه ای است که من تاکنون در این جا ندیده بودم؟» گفت: «آن مرد، برادرزاده ی من محمّد است و آن پسر، برادرزاده ی دیگرم علی بن ابیطالب است. آن زن، خدیجه همسر محمّد صلی الله علیه و آله است؛ محمّد خود را پیغمبر و فرستاده خدا می داند و غیر از این دو نفر هم ائمتی ندارد.»

عفیف کنندی که سال ها بعد اسلام آورد تأسف می خورد و می گفت: «کاش همان وقت ایمان آورده بودم و سوّمین نفر مؤمنین

ص: ۴۳

۱- (۱) ۱. راجع به خدیجه و نقش او در اعلاء کلمه اسلام مراجعه شود به کتاب حوادث تاریخی [رمضان در تاریخ] تالیف اینجانب.

حکایت دوم: در سال سوم بعثت آیه ی (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۲) نازل گردید و پیغمبر مأمور شد خویشاوندان خود را به اسلام، دعوت کند. چهل نفر از خویشاوندانش را به میهمانی دعوت کرد و به علی دستور داد غذایی فراهم نماید. علی شیر و گوشتی که یک نفر یا سه نفر را بیشتر سیر نمی کرد فراهم نمود. ولی همه آن چهل تن را سیر و سیراب ساخت و پیغمبر به آنها ابلاغ کرد که من از جانب خدا پیغمبرم و مأمورم شما را دعوت کنم؛ هر کدام از شما در ایمان به من پیشی بگیرد و مرا یاری کند وزیر و خلیفه من خواهد بود. کسی جواب نداد و بعضی سخنان ناروا و درشت گفتند؛ فقط از میان آن جمع، علی برخاست و گفت: «من مؤمنم و من تو را یاری می کنم.» و دست در دست پیغمبر گذارد و سه بار این ابلاغ را پیغمبر تکرار کرد و در هر سه بار غیر از علی کسی به پیغمبر جواب مثبت نداد و پیغمبر دست در دست علی گذارد و فرمود: «تو وزیر من و خلیفه ی من هستی» میهمانان متفرق شدند، و به ابوطالب که در این مراسم پسرش خلیفه محمد شد می خندیدند.

آری! برای آنها باور کردنی نبود که این دعوت جلو برود و محمّد با یاری و همکاری علی در این دعوت جهانی موفق گردد ولی خدا بر هر کاری قادر و توانا است. این واقعه ی تاریخی را که متضمّن اعلام خلافت علی علیه السلام است بسیاری از مورخین معروف مانند

ص: ۴۴

۱- (۱) طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ أسد الغابه، ج ۳، ص ۵۴۵.

۲- (۲) شعراء، ۲۱۴؛ و خویشاوندان نزدیک را انذار کن!.

طبری (۱) و از معاصرین جوده السّحاره، و محمد حسین هیکل، و حتی کارلایل مسیحی انگلیسی در کتاب قهرمانان نقل کرده اند.

در این دوره، پیغمبر و کسانی که به آن حضرت ایمان می آوردند سخت مورد اذیت و آزار نادانان و سفها و حسودان و آنان که دعوت اسلام را مضر به منافع شخصی و جاه پرستی خود می دانستند قرار گرفتند، و با شکنجه ها و تعذیبات بدنی شدید، گروندگان به حق را شکنجه و تعذیب می کردند، سه سال بنی هاشم، و مؤمنین به محمّد را در شعب ابی طالب محصور و با آنها قطع رابطه کردند و فروش نان و آرد و اشیای دیگر را به آنها ممنوع ساختند. در این مدت سه سال صبر و امتحان مسلمانان شدید شد، و از تنگدستی و گرسنگی سخت در فشار افتادند، و ابوطالب آن حامی مخلص و مؤمن واقعی پیغمبر به زحمت می توانست به وسیله ی بعضی دوستانش به طور محرمانه به مقداری که این گروه تلف نشوند اندکی آرد و طعام فراهم کند.

شب ها فرزند دلبندهش علی را در بستر پیغمبر می خواباند، مبدا که به آن حضرت سوء قصدی شود تا آنکه دوران محصوریت در شعب نیز به اذن خدا تمام شد، و بعضی قریش با پیمان قطع رابطه مخالفت کردند، و پیمان نامه آنها نیز به وضع معجزه آمیزی از بین رفت، و پیغمبر به وحی خدا از آن خبر داد.

در این دوره سوره های مکی قرآن که مشتمل بر وعد و وعید و

ص: ۴۵

۱- (۱) مناقب علی (ع)، ص ۲۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۲۱؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۳۲۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۷؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۲؛ البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۳۹؛ السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۴۰۶.

بشارت و انذار و دعوت به روش عقاید حقّ از مبداء و معاد، و اخبار و سرگذشت انبیای گذشته و مطالب مهمّ دیگر بود نازل شد، و در این دوره بود که دو حامی بزرگ پیغمبر صلی الله علیه و آله جناب ابوطالب (۱) و امّ المؤمنین خدیجه از دنیا رحلت کردند و سال وفات آنها عام الحزن نامیده شد، و رسول خدا در اثر فوت ابوطالب ناچار به هجرت به طائف شد که در آنجا نیز بت پرست ها کار شکنی کرده و حضرت را سنگ باران نمودند، و پس از اسلام عداس مسیحی به شرحی که در تواریخ است (۲) به مکه مراجعت کردند و خداوند متعال، مقدمات دوران چهارم زندگی پیغمبر را فراهم ساخت.

فصل چهارم: از هجرت تا وفات

صدای دعوت پیغمبر در جزیره العرب پیچید و مردمان متفکر و اندیشمند به آن مایل شدند و روز به روز علی رغم کارشکنی های سران بت پرستان و ابوجهل ها و ابوسفیان ها دعوت اسلام در قلوب وارد می شد، و مردمی که از آن می گریختند به آن مایل می شدند، و روز به روز بر وسعت دایره ی اسلام افزون می گشت. و بالاخره با آمدن سران یثرب که به نام مدینه الرسول و مدینه معروف شد خدا مقدمات هجرت پیغمبر را به مدینه فراهم کرد. و آن حضرت در

ص: ۴۶

-
- ۱- (۱) ۱. راجع به ایمان ابوطالب و خدمات بزرگ او به کتاب حوادث تاریخی [رمضان در تاریخ] تألیف حقیر مراجعه شود.
 - ۲- (۲) دلائل النبوه، ج ۱، ص ۲۹۶؛ المنتظم، ج ۳، ص ۱۴؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۹۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۱، ص ۲۸۳؛ الإصابه، ج ۴، ص ۳۸۵؛ إمتاع الأسماع، ج ۸، ص ۳۰۷؛ السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۵۰۰.

وقتی که مشرکین و دشمنان اسلام، تصمیم قطعی گرفته بودند که با یک هجوم عمومی آن حضرت را بکشند در شبی که بنا بود این تصمیم عملی شود به امر خدا علی را در بستر خود خوابانند و از مکه به مدینه هجرت فرمود، و علی شجاعانه، و فداکارانه در جای پیغمبر خوابید و در شأن او این آیه نازل شد:

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) (۱)

در این دوره، حکومت اسلامی به زمامداری شخص پیغمبر تأسیس شد، ایشان به پادشاهان بزرگ نامه نوشت و آنها را به اسلام دعوت کرد، و بیشتر احکام مربوط به اداره ی اجتماع و سیاست، و امور مالی، و نظام جهاد و دادگستری و امر به معروف و نهی از منکر و قوانین عائله و زناشویی و ازدواج و طلاق و حدود و روزه ی ماه رمضان و تحریم ربا و شراب و قمار و ازدواج با محارم و دستورات اخلاقی و انسانی و غیره در ضمن اشتغالات عمده و بزرگی که پیغمبر داشت نازل گردید و ابلاغ و اجرا شد و در این دوره حدود و شخصیت اسلامی جامعه ی اسلامی مشخص گردید، برادری و اخوت اسلامی پی ریزی و برقرار شد، عالی ترین نظام مالی و اجتماعی و سیاسی که در همه جای دنیا بی سابقه بود به وجود آمد، رژیم های استبدادی و استضعاف و حکومت فردی و بشر پرستی محکوم شد و جهاد با کفار نه به منظور فتح شهرها و کشورگشایی بلکه به منظور آزاد کردن ملل از یوغ حکومت های استعمارگر و اعلان حقوق بشر و مساوات

ص: ۴۷

۱- (۱) بقره، ۲۰۷؛ بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (ع) در «لیله المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر (ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند.

همگانی و تأسیس حکومت جهانی اسلام آغاز شد. پیغمبر در تمام غزوات، شرکت می فرمود، و رهبری و فرماندهی قوا را شخصاً به عهده می گرفت، و در سریه ها که خود شرکت نداشت یک نفر را به فرماندهی معین می کرد. غزوه ی بدر که با آن قوت و قدرت ایمان مسلمانان ظاهر گردید (۱) و غزوه احد و احزاب از غزوات مهم و معروف این دوره است؛ در این غزوات بسیاری از مسلمانان از بوته ی امتحان، پاک و بی غلّ و غش بیرون آمدند، و نشان دادند که می توانند با فداکاری، رسالت اسلام را به عالمیان برسانند و بزرگ ترین سرباز فداکار این جنگ ها که فتح مسلمین در هر جنگ از برکت فداکاری و جانبازی او بود علی بن ابیطالب بود که در غزوه ی بدر یک تنه از تمام سپاه اسلام مجاهدات و فداکاری هایش بیشتر شد و بیشتر تلفاتی که به سپاه دشمن رسید به دست او انجام شد. در جنگ احد نیز علی بود که فداکارانه ایستاد و استقامت کرد، تا کسانی که گریخته بودند برگشتند، و در جنگ احزاب بود که پیغمبر فرمود:

»

ضربه علی یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القیامه» (۲)

ص: ۴۸

۱- (۱) ۱. راجع به فلسفه جهاد و اسرار آن و غزوه بدر مراجع شود به کتاب حوادث تاریخی [رمضان در تاریخ [نگارش این حقیر.

۲- (۲) مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۳۲؛ ضربه علی علیه السلام در روز خندق برتر از اعمال امت من است تا روز قیامت! توضیح: این مضمون با عبارات دیگری در کتب بزرگان شیعه و سنی نقل شده است. مثلاً آمده است: «لمبارزه علی بن اَبی طالب علیه السلام لعمر و بن عبدود یوم الخندق أفضل من عمل امتی الی یوم القیامه»؛ تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۱۹، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۴، مناقب خوارزمی ص ۱۰۷، مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۳۲۷.

در این دوره، مقررات اسلامی اجرا شد، نماز جمعه و جماعت رسماً و با شرکت عموم مسلمانان برقرار می‌گشت و مسجد قبا و مدینه ساخته شد، و در این دوره بود که مکه فتح شد و در سراسر شبه جزیره عربستان حکومت حق و عدالت اسلام استقرار یافت، و پیامبر در حجه الوداع مناسک آموزنده‌ی حج را به مردم تعلیم فرمود، و در آن خطبه تاریخی، امتیازات نژادی و ملی را لغا کرد و در غدیر خم به امر خدا علی علیه السلام را به ولایت و جانشینی خود منصوب و معین فرمود.

حوادث این ادوار چهارگانه‌ی حیات پیغمبر به طور مفصل در تواریخ بزرگ و مبسوط شرح داده شده است که دقت در آن، انسان را به حقیقت اسلام آگاه، و در برابر شخصیت رسول اعظم، خاضع می‌سازد.

پیغمبر در مدت بیست و سه سال دوران رسالت کارهای بزرگی انجام داد که هر کدام به قول گوستاولوبون فرانسوی اگر امکانات فراهم باشد، و شخص رهبر از هر جهت صالح باشد حداقل محتاج به یک قرن فرصت است.

عمر رسالت پیغمبر کوتاه بود اما عرض آن بسیار عریض بود یعنی از جهت چگونگی و فایده و بهره برای انسانیت از بیست و سه میلیون عمر میلیونها بشر بیشتر ارزش داشت.

آری! معیار ارزش عمر و زندگی بشر طول و دراز مدتی آن نیست؛ معیار آن چگونگی گذشت عمر، و فایده‌ی آن برای جامعه است که بسا می‌شود در یک سال یا یک ماه یا یک روز و یک ساعت برای یک فرد انسان توفیقی حاصل شود که تمام ارزش زندگی هشتاد و نود

ساله ی آن در ارزش همان یک روز و یک ساعت، خلاصه می شود.

از این جهت، تعیین ارزش عمر و خدمات پیغمبر به بشریت، با محاسبه ی عادی، ممکن نیست و واقعاً بیست و سه سال عمر رسالت آن حضرت از میلیون ها سال بیشتر ارزش دارد.

حتی برای روزهای زندگی آن حضرت نمی توان قیمت، معین کرد.

آن روزی که عقیده ی توحید را اعلان و شرک را باطل شمرد.

آن روزی که آیین صلح، صفا، برادری و برابری همگانی و حقوق انسان را به عالم عرضه داشت.

آن روزی که بانوان را از آن وضع بسیار اسفناک و غیر انسانی نجات داد و حقوق و ارزش های یک انسان کامل عیار به آنها اعطا کرد.

آن روزی که رسم زنده به گور کردن دختران و قربانی نمودن آنها را الغا کرد.

آن روزی که تبعیضات نژادی و قبیله ای را لغو نمود و فرمود برای سفید پوست فضیلتی بر سیاه پوست نیست.

آن روزی که در ضمن مقررات متعدد، آزادی بردگان و پایان دادن به دوران برده فروشی را پیشنهاد کرد و رعایت حقوق انسانی آنها را واجب فرمود.

آن روزی که رباخواری و استثمار فقرا و ضعفا را ممنوع ساخت.

آن روزی که قمار و شراب را تحریم کرد.

آن روزی که قانون تعاون عمومی و همکاری های انسانی را در خدمت به بشریت اعلام نمود.

آن روزی که احسان به پدر و مادر و احترام و رعایت حقوق آنها را با مؤکدترین و لطیف ترین بیانات واجب گردانید.

آن روزی که صله ی رحم و رعایت حق خویشاوند و همسایه را به مردم ابلاغ کرد.

آن روزی که تحصیل علم و دانش و فراگرفتن صنایع را وظیفه ی همگان قرار داد و احترام به معلّم و استاد و دانشمندان را توصیه فرمود.

آن روزی که به عدل و داد فرمان داد و عالی ترین موازین علمی و قضایی و دادگستری و استوارترین نظام حقوقی را به بشر تعلیم فرمود، و از خونریزی و آدم گُشی و تجاوز به حقوق دیگران و ظلم و ستم اکیداً منع کرد.

خلاصه، برای روزها و ساعات مختلف درخشان زندگی پیغمبر که هر یک از جهت درخشندگی دارد نمی توان قیمت معین کرد و خدمات او را با خدمات خدمت گزاران دیگر نمی توان مقایسه کرد. به تصدیق برخی فلاسفه، بزرگ ترین عمل ممکن برای خدمات بشر تا این زمان، قرآن و خدمات محمّد است؛ به طور مثال، نمونه ی کوچکی را عرض می کنم.

حکومت آمریکا زمانی که می خواست می گساری را منع کند ۱۴ سال شدیدترین مبارزات را انجام داد، و بیش از ۶۰ میلیون دلار صرف تبلیغات نمود و صفحات مطبوعاتی که در زیان های شراب انتشار داد به ۱۰ میلیون رسید، و ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای قانون منع مسکرات صرف کرد و سه هزار نفر را اعدام و ۵۳۲۳۳۵ نفر را

زندانی و ۱۶ میلیون دلار جریمه گرفت، و بیش از چهارصد میلیون دلار اموال را مصادره کرد؛ با تمام اینها شکست خورد و دنبال کار را رها کرد اما پیغمبر اسلام با قدرت قانون الهی تحریم شراب، چهارده قرن است که میلیاردها نفر از افراد بشر را از خسارت و زیان های شراب مصونیت بخشیده است.

موقف حساس و بلند علمی حضرت صادق علیه السلام

در این موضوع نیز باید راه اختصار را پیش بگیریم چون مشروح آن در یک سخنرانی و یک مقاله و ده و صد مقاله و سخنرانی هم امکان ندارد. اخیراً یکی از دانشمندان به نام استاد اسد حیدر کتابی پیرامون شخصیت امام جعفر صادق علیه السلام و علوم و فضایل آن حضرت نوشته است که تا جلد پنجم آن به نظر حقیر رسیده است، هم چنین دانشمندان دیگر مانند استاد ابوزهره استاد جامع الازهر در این موضوع، کتاب ها نوشته اند و در هزارها کتاب و مصادر و مآخذ اسلامی به مقامات بلند علمی، و آرای آن حضرت در رشته های مختلف علوم به طور تفصیل یا اجمال اشاره شده است.

امام جعفر صادق علیه السلام مدرسه ای افتتاح فرمود که تا آن عصر در اسلام بی سابقه بود، و پس از آن عصر نیز نظیر آن دیده نشد.

شاگردان آن حضرت، رشته های مختلف علم، مانند کلام، مناظره، الهیات، فقه، تفسیر، حدیث، ادب، علوم طبیعی، شیمی، منافع الاعضاء و رشته های دیگر را از مکتب آن حضرت فرا می گرفتند. و این مکتب آن حضرت بود که بزرگ ترین علمای علوم قرآن و فقه و

کلام و شیمی و غیره را به دنیا تحویل داد و او افرادی مانند محمد بن مسلم، زراره، هشام، ابان بن تغلب، ابوحنیفه، مالک بن انس هم از شاگردان آن حضرت بودند. ابن عقده که از مشاهیر علمای اسلام است و در علم رجال، متبحر است چهار هزار نفر از شاگردان حضرت صادق علیه السلام را به نام در یک کتاب جمع آوری کرده، و از هر کدام در یک موضوع علمی و اسلامی از آن حضرت کلام و حدیثی نقل کرده است. وقتی در مسجد کوفه احصاء شد چهار صد نفر از آن حضرت نقل علم و حدیث می کردند. کتاب توحید مفضل، و رساله ی اهللیجه، و مباحثات آن حضرت با رؤسا و سران زنادقه و ملاحده، و مادیین همه موجود است و اطلاع و علم وسیع آن حضرت را از طب و تشریح و خواص اشیاء ثابت می کند.

فقه شیعه که متضمن هزارها ماده ی قانونی و تعلیمی، و برنامه ی عملی و اخلاقی اسلام است در بیشتر و بلکه تقریباً در تمام موارد مدیون علوم بی پایان امام صادق علیه السلام است.

در مثل احکام حج که یکی از بزرگ ترین فرائض اسلام و متضمن فلسفه های عالی و با ارج است دنیای اسلام از دریای علوم امام صادق علیه السلام مستفیض است و به قول ابوحنیفه همه عائله امام جعفر صادق اند، و حدیثی در صحیح مسلم از کتب اهل سنت از آن حضرت روایت شده است که مأخذ حدود چهار صد ماده راجع به احکام حج است که اهل سنت از آن پیروی می نمایند.

برای هر کس تاریخ را مطالعه کند قطع حاصل می شود که امام صادق علیه السلام از علوم غیب آگاه بوده است؛ حتی ابن خلدون که از

فلاسفه ی مشهور و علمای علم الاجتماع است با اینکه به واسطه ی دوری منطقه و وضع سیاسی محیط از علوم و فضایل اهل بیت اطلاع کافی نداشته است در فصلی که در کتاب خود راجع به امکان اطلاع بشر بر علم غیب بحث می کند از امام صادق علیه السلام نام می برد و می گوید (قریب به این مضمون): عجیب نیست شخصی مثل جعفر بن محمد با آن مقام و منزلت و صفای باطن از علم غیب با اطلاع باشد.

منصور خلیفه ی عباسی با اینکه وجود امام جعفر صادق علیه السلام را منافی با مفاصد سیاسی خود می دانست و از توسعه ی مکتب آن حضرت جلوگیری می کرد، بنا به نقل یعقوبی مؤرخ،^(۱) آن حضرت را عالم اهل بیت و از وارثان علم کتاب و برگزیدگان خدا و کسانی که خدا در این آیه یاد کرده است می دانست:

(ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا) (۲)

نکته ای که در این جا تذکرش لازم است این است که علت اینکه حضرت صادق علیه السلام در بین ائمه علیهم السلام در این حدّ موفق به نشر علوم اسلام و معارف قرآن گردید که حتی به این مناسبت مذهب شیعه که همان اسلام خالص است به نام آن حضرت معروف و جعفری نامیده شد این بود که اوضاع و احوال سیاسی زمان آن حضرت این فرصت را به ایشان داد؛ زیرا عصر آن حضرت، عصر ضعف بنی امیه و قیام مردم علیه حکومت آنها بود و

ص: ۵۴

۱- (۱) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲- (۲) فاطر، ۳۲؛ سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم.

حکومت بنی عباس هم اگر چه تأسیس شد اما در آغاز کار، قدرت اعمال سیاست روی مدارس و مجالس علمی و معارف اسلامی نداشت، و برای عشاق علمی و دانش پژوهان آزادی، فرصتی پیدا شد که بتوانند عمیقانه علوم اسلام را بررسی و مطالعه کنند؛ از این جهت از اطراف و اکناف برای کسب علم از حضرت صادق علیه السلام به آن حضرت روی آوردند و حضرت در این فرصت توانستند معارف اسلام و حقایقی را که تا آن زمان مخفی مانده بود آشکار و در اختیار مردم بگذارند.

مع ذلک از سائر ائمه علیهم السلام نیز علوم بسیار و احادیث باقیمانده است و مثل نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه از ممتازترین ثروت های علمی اسلامی به شمار می رود.

فایده ی بزرگداشت روزهای تاریخی اسلام

و اما موضوع سوم یعنی فایده ی بزرگداشت روزهای تاریخی اسلام و بعضی تذکرات و بزرگداشت این روزها، علاوه بر آنکه تعظیم شعائر و اظهار حیات و وجود و شخصیت است و علاوه بر آنکه تجلیل و تقدیر و حق شناسی است، و فطرت بشر به آن مایل و علاقه مند است سبب معرفت و آشنایی به سوابق تاریخی و حقیقت دین و تعالیم اسلام می گردد و موجب می شود که مسلمانان در راه راست اسلام، ثابت بمانند و از زندگی رهبران دین، درس و سرمشق بگیرند؛ خدا را بشناسند و به خود ببالند و در برابر بیگانگان و آداب و رسوم آنها خود باخته نگردند، و با امیدواری به سوی جلو

گام بردارند. برای پیشرفت اسلام، فعالانه بکوشند. بفهمند که اسلام دین ابدیت و جاودانی و جهانی است و آینده ی دنیا را اسلام اداره خواهد کرد و راهی بهتر از اسلام به بشریت عرضه نشده و نخواهد شد.

مسلمانان با بزرگداشت این روزها و تذکر تاریخ رجال اسلامی باید به مسئولیت های بزرگی که دارند متوجه شوند که چرا ما از آن مسلمان های با اخلاص صدر اسلام و آن پاک مردان و پاک زنانی که آن همه فداکاری کردند درس نگیریم و در راه دین مجاهدت نکنیم؟

توصیه هایی به مسلمانان خارج از کشور

شما مسلمانانی که در انگلیس هستید امکاناتی دارید که مسلمانان عصر پیغمبر و امام صادق صلوات الله علیه نداشتند. شما می توانید تبلیغ کنید. نشریه انتشار دهید. اسلام را به دیگران و در بین خودتان بشناسانید. (۱) با هم همکاری کنید، و دین را یاری نمایید دیگران را به این جلسات دینی دعوت کنید و فرائض اسلامی را متعهدانه انجام دهید. از کمی جمعیت یا فراهم نبودن وسایل و امکاناتی که برای بیگانگان هست باک نداشته باشید؛ خداوند در قرآن می فرماید:

ص: ۵۶

۱- (۱) اکنون خدا خواسته است و نعمتی و فرصتی در اختیار شما گذارده است؛ درب این مجمع اسلامی به روی شما باز است و از شما و برای شما است؛ مرد فداکاری [حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباس مصباح زاده] در این جا آمده و به عشق خدمت به اسلام و خدمت به شما در این جا اقامت گزیده و احساس مسئولیت کرده است.

(كَمْ مِّنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ) (۱)

مردها به علی علیه السلام و زن ها به خدیجه و فاطمه زهرا علیهما السلام اقتدا کنند. تبلیغ اسلام و شرکت دادن دوستان خود را در جلسات دینی جزء برنامه ی کار خود قرار دهید. خداوند متعال شما را یاری می کند.

حقیر از اینکه در شما جنبش و جوشش و حرکت می بینم بسیار تقدیر می کنم و مثل این توفیقی را که در بعضی شما از زن و مرد می بینم آرزو می کنم؛ فقط لشکر خدا و گروه خدا باشید؛ مبدا به خاطر سلیقه های شخصی در همکاری با یکدیگر سست و دلسرد شوید و از هم جدا گردید! این نکته ی مهم را هم متوجه باشید که پشتیبانی شما از اسلام و التزام شما به احکام اسلام در این منطقه سبب دلگرمی و قوت قلب مسلمانان کشورهای اسلامی می شود وقتی یک پسر یا دختر غرب زده ببیند آقا یا خانمی که سال ها در انگلستان بوده است مسلمان مانده است و رنگش عوض نشده و سنن اسلامی را حفظ کرده است او نیز از آنها سرمشق می گیرد.

اهل هر منطقه و هر کشور هستید برادرانه به هم دست اتحاد بدهید و نشان دهید که اسلام مرز ندارد و اسلام، مافوق زبان، نژاد، وطن و ملیت است و غیر از اسلام و خارج از دایره ی احکام و برنامه های آن چیزی نیست. همه را به خداوند متعال می سپارم.

ص: ۵۷

۱- (۱). بقره، ۲۴۹؛ چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند!.

(رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ) (۱)

ص: ۵۸

۱- (۱) . آل عمران، ۱۹۳؛ پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدیهای ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران!

هدیه سوم: هدف های رسالت اسلام

اشاره

ص: ۵۹

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا) (۱)

موضوع سخن در این مقاله، هدف های رسالت اسلام است.

هدف های رسالت اسلام که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای حصول آن منتهای کوشش و مجاهده را فرمود و مسلمانان نیز باید در هر عصر و زمان برای حصول این هدف ها و تکمیل انقلاب مقدس اسلام همیشه قدم به پیش و سعی و مصمم باشند هدف هایی است انسانی و بنیادی که نیاز بشریت به آنها روز به روز ظاهرتر و پیشرفت علم و صنعت و ارتباطات، امکان حصول آنها را بیشتر کرده است. به طور اختصار به چند نمونه از این هدف ها اشاره می نمایم.

۱. ایمان به خدای یگانه

ایمان به خدای یکتای یگانه و آمرزنده و خطا بخش و بخشنده و مهربان و کارساز و پوزش پذیر، خدایی که از هر چیز به انسان نزدیک تر است و ارتباط با او در هر حال و در هر زمان و در هر مکان مستقیماً و بدون واسطه ی احدی آرام بخش روح و محکم ترین نقطه ی اتکا و اعتماد و عامل نشاط، امیدواری به آینده و خوش بینی

ص: ۶۱

۱- (۱) فتح، ۲۸؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد!

و مانع از یأس و ناامیدی و اضطراب و افسردگی و انتحار و خودکشی، قوت دهنده ی قلب و تنظیم دهنده ی کار غرائز و احساسات و عواطف است. نقش سازنده ی ایمان به خدا در ساختن شخصیت انسان و پرورش اراده و رهبری اندیشه، مؤثرتر از نقش هر عالم سازنده و تربیتی دیگر است. ایمان در باطن انسان هم یک قوه ی برانگیزنده و جهش بخش و تحرک آور و موجب شوق رغبت به کار و عمل و ترقی و تکامل است و هم قوه ای بازدارنده و کنترل کننده است که او را از سوء استفاده از غرائز و افراط و تفریط باز می دارد. تیرگی هایی که در اثر عوامل مادی و کار زیاد و ضعف و بیماری و غصه و اندوه، دل انسان را تاریک می سازد با ایمان و توجه به خدا برطرف می شود و با یاد خدا دل را روشن می کند.

ایمان به خدا به شخص، بینش و بصیرت می دهد و زندگی را با هدف و نتیجه معرفی می نماید و از سرگردانی و تحیری که یک نفر ملحد و خدانشناس دارد نجات می دهد.

در قرآن مجید آیات بسیاری راجع به ایمان و مؤمنین و اوصاف و نشانه های مردهای مؤمن و بانوان مؤمنه نازل شده است که بررسی و دقت در معانی و مقاصد آنها شخص را به حقایق ارزنده و عالی در این موضوع آشنا می سازد و قدر مسلم اینکه بدون ظهور آثار ایمان در اعمال و رفتار و سلوک انسان و بدون تعهد و التزام به عمل به شرایط و لوازم ایمان نباید انتظار داشت که ایمان اسمی، کاری را اصلاح نماید. (۱)

ص: ۶۲

۱- (۱) پیرامون نشانه های ایمان به آیات ذیل مراجعه نمائید: بقره، ۱۲۱؛ مائده، ۵۵ و ۵۷ و ۹۴؛ انعام، ۱۱۸؛ اعراف، ۱۵۷؛ انفال، ۴ و ۴۱؛ توبه، ۱۶ و ۱۸ و ۴۴؛ یونس، ۸۴؛ حج، ۳۴؛ مومنون، ۱۰۹؛ نور، ۵۱ و ۵۲؛ شعراء، ۲۲۷؛ نمل، ۸۱؛ سجده، ۱۵؛ فصلت، ۸؛ شوری، ۳۶ و ۳۷؛ حجرات، ۱۵؛ حدید، ۲۸؛ مجادله، ۴؛ تغابن، ۱۳. درباره لزوم و آثار همراهی ایمان و عمل، به آیات ذیل می توان مراجعه کرد: بقره، ۲۰۳ و ۲۲۸؛ مائده، ۶۹ و ۹۳؛ اعراف، ۴۲؛ توبه، ۹؛ رعد، ۲۹؛ ابراهیم، ۱۸؛ کهف، ۸۸ و ۱۰۷ و ۱۱۰؛ انبیاء، ۹۴؛ حج، ۲۳؛ نور، ۵۵؛ عنکبوت، ۷ و ۵۸؛ روم، ۱۵ و ۴۵؛ لقمان، ۸؛ سجده، ۱۹؛ سبأ، ۳۷؛ ص، ۲۴ و ۲۸؛ غافر، ۴۰؛ فصلت، ۸؛ شوری، ۲۲ و ۲۶؛ جاثیه، ۲۱؛ محمد، ۲ و ۱۲؛ تغابن، ۹؛ طلاق، ۱۱؛ بروج، ۱۱؛ تین، ۶؛ بینه، ۷.

۲. ایمان به پیغمبران خدا و نبوت

ایمان به پیغمبران خدا و نبوت آنها است؛ اسلام، نبوت همه ی پیغمبران خدا را تأیید کرده و از خدمات و کوشش های هر یک از آنان در راه هدایت انسان ها تقدیر کرده است و به پیروانش دستور می دهد که بگوید:

(آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) (۱)

که خلاصه، مفادش این است که ما به خدا و آنچه بر خودمان به وسیله ی حضرت محمد نازل شده و آنچه به تمام پیغمبران از

ص: ۶۳

۱- (۱) بقره، ۱۳۶؛ ما به خدا ایمان آورده ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم).

ابراهیم و موسی و عیسی و دیگران نازل شده ایمان داریم و میان پیغمبران جدایی نمی اندازیم چون همه، مردم را به خدا می خواندند و از جانب خدا برای راهنمایی بشر مأموریت داشتند؛ نهایت این است که مکتب انبیا مانند مدرسه ای است که کلاس های متعدد داشته باشد به ترتیب و به تدریج افتتاح و تکمیل شده است تا به رسالت حضرت خاتم الانبیاء به آخرین مرتبه ی کمال رسید و پیامبری به وجود آن حضرت ختم و پایان یافت.

۳. ابلاغ و اجرای حقوق انسان

ابلاغ و اجرای حقوق انسان به طوری که افراد در شرایط متساوی دارای حقوق متساوی باشند و ثروتمند و فقیر، زورمند و بی زور، رئیس و مرئوس و تابع و متبوع، فرقی و امتیازی نداشته باشند و همه آزاد و بدون وحشت و نگرانی از کسی و مقامی زندگی کنند. در این جهت منشی و مجری حقیقی و واقعی حقوق بشر، اسلام و قرآن و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.

این امیرالمؤمنین علی علیه السلام شاگرد یگانه مکتب پیغمبر و وزیر و یار و یاور آن حضرت بود که در آن زمانی که به حسب ظاهر، زمامدار امور مسلمین بود می فرمود: «با من چنانکه با سرکشان سخن می گویند سخن مگویید، و آنچه را در برابر مردم خشمگین پنهان می کنند از من پنهان مدارید، و با مدارا و چابلوسی با من معاشرت ننمایید، و گمان نکنید که شنیدن سخن حق بر من سنگین است، و مپندارید که تعظیم نابجای خود را از شما درخواست

دارم... زیرا من و شما بندگانی در اختیار پروردگاری هستیم که جز او پروردگار نیست.»^(۱)

و هم او بود که اجازه نمی داد در حالی که سوار بود کسی با او پیاده و در خدمت او باشد؛ می فرمود: «این برای زمامدار فتنه است؛ یعنی باد در بینی او می اندازد و او را از دیگران متوقع تواضع و احترام می نماید.»^(۲)

و هم او بود که بر حسب منقول می فرمود: «هر کس می خواهد نگاه به مردی از اهل آتش کند نگاه کند به شخص نشسته ای که گروهی به احترام او ایستاده باشند.»

و هم علی بود که در عهدنامه ی مالک اشتر تمام حقوق انسان و روابط افراد را با حکومت به نحوی که دنیا هنوز هم به آن نرسیده است بیان فرمود.^(۳)

جورج جرداق مسیحی نویسنده ی کتاب الامام علی صوت العدالة الانسانیة در فصلی از این کتاب راجع به این عهدنامه بحث کرده است و مواد بیست و هشت گانه ی اعلامیه ی حقوق بشر را نوشته و در برابر هر ماده ای از آن جمله ای از این عهدنامه را راجع به آن ماده قرار داده است؛ سپس می گوید (قریب به این مضمون): این مواد اعلامیه ی حقوق بشر است و این تعلیمات و دستورات علی است که وقتی ملاحظه کنیم می بینیم جمله هایی که علی انشاء فرموده با توجه به این امتیازات کامل تر و تمام تر است:

ص: ۶۵

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۲- (۲) نهج البلاغه، حکمت ۳۲۲.

۳- (۳) نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۱. این اعلامیه را در عصر ما پس از اینکه دنیا چهارده قرن جلو آمده و حوادث مهم و پیشرفت علم و انقلاب بزرگ و تحولات عمیق در فکر بشر به وجود آورده است نوشته اند در حالی که علی علیه السلام در چهارده قرن پیش این مواد را با رساترین بیان در اختیار بشر گذارد و این حقوق را اعلام کرد.

۲. این اعلامیه را پس از اینکه پیرامون مواد و حتی الفاظ آن، علمای بزرگ حقوق و متخصصان بررسی ها و مطالعات کردند و مجالس شور و تبادل نظر تشکیل دادند نوشتند ولی علی علیه السلام خودش بدون شور و مشورت با کسی و بدون مطالعه ای وقتی مالک را به استانداری مصر تعیین فرود این عهدنامه را برای برنامه ی کار و تعیین حدود عمل اختیارات او مرقوم فرمود.

۳. کسانی که این اعلامیه را نوشتند و به دنیا اعلام کردند با تبلیغات رادیو و مطبوعات ممت ها بر سر بشر گذاردند که ما این حقوق را به شما اعطا کردیم ولی علی علیه السلام به هیچ کسی ممتی نگذارد و این حقوق را اعطایی خود نمی دانست؛ چه آنکه بشر به حکم خدا و هدایت اسلام این حقوق را دارا است.

۴. برقراری نظام اقتصادی سالم

از هدف های رسالت اسلام، برقراری معاش منظم برای همگان است. این کار در درجه ی اول با ایجاد و تهیه دیدن کار و شغل و در درجه ی بعد، با پرداخت حقوق و مخارج معاش از بیت المال عملی می گردد. شاید بعضی وقتی می شنوند یا می بینند که مثلاً در

انگلستان به بیکاران و کسانی که کار و شغلشان را از دست می دهند حقوق کافی می دهند تعجب کنند و بی اطلاع باشند که اسلام این قانون را از چهارده قرن پیش مقرر فرموده است و حکومت های اسلامی را موظف کرده است مخارج سالانه ی هر محتاجی را از بیت المال به طور مناسب و آبرومند بپردازد و این همان دستور اسلام است که جامعه ی مسلمانان معاصر به گونه ای باشد که همه ی بیکارها و محتاج ها در زیر پوشش آن زندگی کنند اما نوعاً به آن عمل نمی شود و بیگانگان به آن عمل می کنند و این همان چیزی است که علی علیه السلام از آن بر مسلمانان می ترسید و بیمناک بود و در وقتی که وصیت می فرمود مسلمانان را از آن بر حذر می داشت می فرمود:

«الله الله في القرآن لا يسبقكم بالعمل به غيركم»^(۱)

بترسید از خدا! بترسید از خدا! در مورد قرآن مبدا که دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند.

ما امروز همان را که علی علیه السلام از آن می ترسید می بینیم؛ هر کار نیک و هر برنامه ی صحیح و منظمی که هر کجای دنیا باشد اسلام آن را کافی تر و جامع تر به بشریت عرضه کرده است؛ تمام عناصری که موجب زنده بودن و زنده ماندن قانون است به تصدیق دانشمندان در قوانین اسلام موجود است.

ص: ۶۷

۵. همگانی کردن حق علم آموزی

همگانی کردن حق تحصیل علم و دانش و آن را از اختصاص طبقات به اصطلاح بالای اجتماع بیرون آوردن. اسلام به همه حق داد و همه را به علم و دانش و تفکر و تعقل و به کار انداختن نیروی فکر و اندیشه، تشویق فرمود و ارزش هر کس و هر جامعه را به مقدار بهره‌ی او از علم و دانش شناخت. پیش از اسلام، طبقات پایین اجتماع در کشورهای بزرگ از تحصیل، محروم بودند و اسلام همه را در کسب علم آزاد کرد؛ به طوری که بعد از اسلام یک نهضت بزرگ و وسیع علمی برپا شد و بیشتر علما و دانشمندان از طبقه‌ی پایین اجتماع برخاستند.

در اسلام، تحصیل علم و درس دادن شغل مقدسی است که تا این اواخر، معلمان و اساتید از گرفتن حقوق در برابر تعلیم علم، ابا داشتند و عمل خود را شریف تر از آن می‌دانستند که با منافع مادی مبادله کنند و هم اکنون در حوزه‌های علمیه‌ی اسلامی شیعه همین برنامه برقرار است و تعلیم و تحصیل علم را به عنوان یک وظیفه‌ی مقدس دینی انجام می‌دهند و آن را به پول و مزد مادی نمی‌فروشند.

البته بیت المال در صورت احتیاج این افراد باید تأمین معاش آنها را بنماید و ماهانه‌ی لازم را به آنها بدهد و این مسئله‌ای است که در هر حال و نسبت به همه وظیفه‌ی بیت المال است و مسئله‌ی مزد گرفتن برای تعلیم و حق التدریس دریافت داشتن مسئله‌ی دیگر است.

۶. تهذیب عقل از خرافات

از هدف های اسلام پاک ساختن و تهذیب عقل و فکر بشر از خرافات و عقاید باطل و نامعقول و خرد ناپسند است که در این مورد، اسلام یگانه دینی است که پاک و منزّه از خرافات باقی مانده است و دینی است که دین حق را در هر عصر و زمان پاک و منزّه از خرافات معرفی کرده است.

دین ابراهیم و موسی و عیسی را هم به همان واقعیت معقول و خردپسندی که داشته اند معرفی کرده و از خرافات گوناگون یهودیت و مسیحیت کنونی تنزیه کرده است؛ شرح این مسئله محتاج به مطالعه کتاب هایی است که برای راهنمایی یهود و نصارا نوشته شده است. غرض این است که عقاید خرافی در گذشته و حال، افق فکر بشر را تاریک کرده است. در عصر ظهور اسلام، بت پرستی که مظهر بسیار منکر و زشت و ناهنجاری است و عقاید خرافی دیگر علاوه بر شبه جزیره ی عربستان، در کشورهای دیگر نیز رایج بود؛ به عنوان نمونه در مصر معتقد بودند که همه ساله برای وفور آب نیل باید دختری را که به نام عروس نیل نامیده می شد در نیل بیندازند و در وقت معینی دختر زیبایی را انتخاب می کردند و پس از سه شبانه روز مراسم عروسی و تشریفات بزم و شیرور، روز سوم دختر بیچاره را در آب می انداختند و غرق می کردند. توحید اسلام در ابعاد گسترده ای که دارد عقاید خرافی را از بین می برد و دین خالص و صحیح و موافق فطرت را به بشریت عرضه می کند.

یکی دیگر از هدف های اسلام که دنیا به آن رو می رود به وجود آوردن یک جامعه ی جهانی و نظام واحد است که همه ی اقوام و ملل در آن بگنجد و برتری ملتی بر ملتی و استثمار قومی از قومی از بین برود. تمام ذخایر نعمت ها به طور عادلانه بین انسان ها توزیع شود و امکانات ترقی و پیشرفت برای همه به طور متساوی فراهم شود و تمام افراد بر اساس عضویت در یک جامعه بلکه یک خانواده با هم معامله و معاشرت و ارتباط مالی و اجتماعی و سیاسی پیدا کنند و چنانچه در قرآن می فرماید:

(إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) (۱)

جهانیان، امت واحد شونند.

عقیده به توحید و یگانگی خدا، خود به خود، این فکر جامعه ی جهانی را ایجاد می کند و اعتقاد به یکی بودن خدای همه، اصالت وجود جامعه ی متعدد و تفرقه های موجود را طرد و نفی می نماید، لذا ملاحظه می شود که در انتخاب اسم اسلام برای این دین جهانی چه عنایت و لطفی به کار رفته است تا عنوان و اسمی باشد که به سوی تفرقه و اختلاف و انتساب به شخص یا طایفه یا ملتی ندهد و به همه قابل تعلق باشد و لفظی باشد که مفهومش دین حق و حقیقت دین باشد.

ص: ۷۰

۱- (۱). انبیاء، ۹۲؛ این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف) و من پروردگار شما هستم پس مرا پرستش کنید!.

۸. اقامه ی قسط و عدل

هدف دیگر، اقامه ی قسط و عدل و برقراری نظم عادلانه در بین مردم به وسیله ی قرار دادن امر مردم در پاک ترین دست ها و امین ترین افراد و انتخاب افراد عادل و صالح برای امور اجتماعی و کارهای مربوط به عموم است. اهمیت این مسئله وقتی معلوم می شود که شخص، برنامه ی امت و رهبری امت و هم چنین برنامه ی قضاوت و دادگستری و سایر امور اجتماعی و مالی اسلامی را مطالعه کند و آیات و روایاتی را که در این امور، مسئولیت افراد را سخت شمرده اند به دقت بررسی نماید.

۹. تأمین سعادت دنیا و آخرت

تأمین سعادت دنیا و آخرت به وسیله ی تعالیم اعتقادی و اخلاقی و عملی به طوری که همه ی افراد حتی ناقص الاعضاء و ناتوان خود را سعادت‌مند بشناسند و بدانند که زندگی در صورت پیروی از برنامه های اسلامی، متضمن هیچ گونه خسارت و ضرر حقیقی نیست و اگر بعضی ضررها و زحمات دنیوی در این جا تدارک نشود در آخرت همه جبران و تدارک می شود و بلا عوض نمی ماند و بالاخره خداوند متعال با هیچ کس به خلاف عدل رفتار نمی نماید. این عقیده از جنبه ی علمی و ایمانی شخص را خوش بین و راضی و خشنود می سازد که در این دنیا هر چه متاعب ببیند چون چشمداشت به ثواب عقبی دارد با حُسن استقبال بپذیرد و از جنبه ی واقعی و خارجی آن هم معلوم است خوشبختی افراد صالح تأمین است.

۱۰. تأسیس مدینه ی فاضله ی انسانی

خلاصه و به طور کلی از مجموعه برنامه های اعتقادی و علمی و اخلاقی اسلام استفاده می شود که هدف اسلام، تأسیس یک مدینه فاضله ی انسانی است که همه چیز در حد اعتدال و از افراط و تفریط بر کنار باشد و افرادش همه مانند عضو یک بدن، همکار و هم درد، و هر کدام به وظیفه ی خود عمل کنند و در اجرای حق و عدالت در بین خود نظارت نمایند. اسلام با هدف هایی که به برخی از آنها اشاره شد در صفحه ی تاریخ انسانیت جلوه کرد و به زودی پیشرفت نمود و دل ها را فتح کرد و جوامع بزرگی که به علم و فضیلت اشتهار یافتند برپا کرد و بزرگ ترین کتابخانه و مدرسه ها را به وجود آورد. نوابغ بزرگ علم و فلسفه را به دنیا تحویل داد و کشورهایی مانند ایران، پاکستان، هند، بنگلادش، اندونزی، تایلند، فیلیپین، مصر، اتیوپی، اریتره، سودان، الجزایر، مراکش، افغانستان، ترکیه، حجاز، یمن، سوریه، عراق، لیبی، فلسطین، لبنان، اردن، مسقط، عمان، سومالی، تانزانیا، ساحل عاج، نیجریه، نیجریا، کویت، قفقاز، ترکستان، یوگسلاوی، آلبانی، مالزی، چین، تایوان و نقاط دیگر را زیر چتر هدایت و ارشاد خود گرفت و اگر سیاست جاه طلبانی که زمام امور را به دست گرفتند خصوصاً بنی امیه و بنی عباس، رژیم حکومتی اسلام را به ارتجاع نکشاده بود و ملل دنیا را مأیوس نساخته بودند اسلام در سراسر جهان استقرار یافته بود.

مع ذلك و علی رغم ضدیت هایی که با اسلام می شود و تبلیغات

دروغ و بی اساسی که علیه آن می شود و با اینکه در داخل قلمرو اسلام، جوامع متعددی که با روح اسلامی مخالف است به وجود آمده اما این دین همچنان زنده و استوار و برجا و برقرار است و برای اداره ی امور انسانیت برتر و جامع تر از آن نیست و زمینه ی یک بیداری کامل و گردهمایی دینی در مسلمانان موجود است و امیدواری به جوانان مسلمان خصوصاً طبقه ی تحصیلکرده که آینده ی اسلام به دست آنها سپرده می شود باقی است. روز به روز در دنیای معاصر قوت تعالیم اسلام و زنده بودن آن آشکارتر می شود و ثابت می گردد که این دین هرگز نخواهد مرد و همیشه جاودان و زنده و برقرار است.

ما مسلمان ها هستیم که از زن و مرد باید احساس مسئولیت کنیم و این دین را به دنیا عرضه بداریم. خودمان متعهدانه و ملترمانه به آن عمل کنیم و دیگران را به آن تبلیغ نماییم. (۱)

بدانید که از کارهای بسیار نیک و پسندیده که موجب رضای خداوند متعال می شود این است که انسان، شخص گمراهی را راهنمایی کند؛ از خدایبگانه ای را با خدا آشنا سازد و گنه کاری را به

ص: ۷۳

۱- (۱) آقایان و بانوان محترم! شرکت شما در این جشن که به عنوان بزرگداشت روز ولادت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و حضرت صادق علیه السلام تشکیل شده مورد تقدیر و تشکر است و به همه خیر مقدم عرض می شود. اما تذکراً عرض می کنم به شرکت خودتان در این جلسات اکتفا نفرمایید؛ برادران و خواهران مسلمان و شیعه در این شهر و نواحی بسیارند که هنوز توفیق شرکت در جلسات مذهبی مجمع اسلامی را حاصل نکرده اند؛ از آنها دعوت کنید در این جلسات حضور یابند تا این مجالس با شکوه تر برگزار شود و از نتایج معنوی و راهنمایی های اسلامی آن بهره مند شوند و در فضای دین و پایگاه ایمان و اخلاق و مرکز خدایپرستی پرواز ملکوتی نموده و به معارج بلند روحانی و منازل قرب الهی نایل شوند.

توبه و بازگشت به خدا تشویق نماید که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«لأن يهدى الله على يديك رجلا خيرا لك مما طلعت عليه الشمس و غربت»^(۱)

اگر خدا یک نفر را به دست تو هدایت کند بهتر است برای تو از تمام آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب کرده است.

خدا یار و مدد کار شما باد.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

لطف الله صافی

ص: ۷۴

۱- (۱). الکافی، ج ۵، ص ۲۸.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

